

درس پنجم زبان و ادبیات پیش از اسلام

لُب مطلب

مسیر، مفتوحات، التظارفات

درس پنجم درباره ساخته زبان‌های ایرانی در طول تاریخ و معرفی دوره‌های مختلف رواج این زبان‌ها بوده‌است. گروه زبان‌های ایرانی به ترتیب زمان، به سه دوران «فارسی باستان»، «فارسی میانه» و «فارسی نو» تقسیم می‌شود که بعضی از آن‌ها فورشان شامل پنده دوره زمانی کوتاه‌تر هستند. درس، بعد از مقدمه‌ای درباره وضعیت «کتابت» (نوشتار) در ایران باستان، به سرعت وارد موضوع اصلی، یعنی معرفی زبان‌های ایرانی می‌شود؛ درباره فارسی باستان، به توضیح کوتاهی پسندیده می‌گذرد، اما در ادامه، با تمرکز بر فارسی میانه و سپس فارسی نو، اطلاعات مفهومی از این دو زبان در افقی‌تر می‌گذارد. التظارف را شنیده باش با فوانین درس پنجم، درباره پیشیله زبان فارسی، مسئله کتابت، انواع زبان‌های ایرانی، شاههای مختلف آن‌ها، زمان رواج، پفرافی‌ای رواج و آثار پهلوانانه از این زبان‌ها، اطلاعات مفیدی به دست بیاوری.

۴) وضعیت کتابت در ایران پیش از اسلام

تا پیش از اسلام، آثار فرهنگی و ادبی در ایران، قرن‌ها به طور شفاهی و اصطلاحاً «سینه‌به‌سینه» حفظ می‌شدند؛ مثلاً کتاب «اوستا» را موبدان (روحانیون زرتشتی) برای اجرای مراسم دینی از حفظ می‌خواندند؛ تا این‌که بالأخره در دوره ساسانی، متن آن به صورت مکتوب درآمد.

پیشینه‌گزین فارسی



گروه زبان‌های ایرانی: مجموعه زبان‌هایی با ویژگی‌های مشترک، که در ایران و مناطق هم‌جوار آن، از قدیم رایج بوده است.

دسته‌بندی: از نظر تاریخی، زبان‌های ایرانی شامل سه دسته‌بندی‌اند: باستان، میانه، تو

(۱) فارسی باستان

دوره رواج: سلسله هخامنشیان (۵۵۹ تا ۳۳۰ پیش از میلاد)

آثار بر جامانده: فرمان‌ها و نامه‌های شاهان هخامنشی به خط میخی

(۲) فارسی میانه

دوره رواج: حدود ۳۰۰ پیش از میلاد تا حدود ۷۰۰ میلادی



۱) پارتی

دوره رواج: از دوره اشکانیان تا اوایل دوره ساسانی
جغرافیای رواج: شمال و شمال شرقی ایران

۲) زبان فارسی میانه (پهلوی)

دوره رواج: دوران ساسانی (زبان رسمی آن دوره)
دلیل نام‌گذاری: تعلق داشتن به ناحیه فارس و این‌که، فارسی میانه در مرحله‌ای میان «فارسی باستان» و «فارسی تو (دری)» قرار دارد.
آثار زبان پهلوی

• آثار مذهبی: بیشتر آثار تألیف شده به زبان پهلوی، متون دینی زرده‌شده است؛ حتی رساله‌های کوچکی که معمولاً آن‌ها را جزء آثار غیردینی به شمار می‌آورند، مانند «**بادگار زریزان**» هم، رنگ دینی دارند.

• آثار ادبی منتشر و منظوم: بیشتر این آثار از بین رفته‌اند، ولی ترجمة عربی و فارسی بعضی از آن‌ها مانند «هزار و یک شب» و «کلیله و دمنه» در دست است که البته آن‌ها هم، دچار تغییرات فراوان شده‌اند؛ در واقع باید گفت آثار ادبی پهلوی به سبب اهمیتی که «ست شفاهی» در ایران پیش از اسلام داشته، غالباً به صورت مکتوب در نیامده‌اند.

• اشعار: از شعر پهلوی نمونه‌های کمی در دست است و آن‌چه باقی مانده هم، دچار تحریف و دست‌کاری زیادی شده. بعضی از قطعه‌شعرها، باقی‌مانده اشعار تعلیمی و اخلاقی‌اند. این قطعات شعری، لابه‌ای «اندرزنامه‌های منتشر» (متون تعلیمی نشر) جا گرفته‌اند، مانند منظومة «درخت آسوریک» و «**بادگار زریزان**» که هر دو، اصل و ریشه پارتی دارند.

۳) فارسی نو

با ورود اسلام به ایران، زبان فارسی تغییرات تازه‌ای پیدا کرد و با به‌کارگرفتن الفبای عربی، وارد مرحله جدیدی شد که به آن «فارسی نو» یا «فارسی دری» گفته می‌شود.

شكل‌گیری خط فارسی

یکی از نتایج نفوذ اسلام در ایران، رواج تدریجی خط عربی بود. زبان فارسی با کنار گذاشتن برخی از صدای زبان عربی، الفبای آن را پذیرفت. شکل‌گیری زبان دری

• آغاز شکل‌گیری: ادبیات فارسی دری به مفهوم واقعی‌اش، تقریباً همزمان با حکومت طاهریان^۱ پدید آمد.

• کاربرد ویژه: دری، زبان درباری ساسانیان و زبان محاوره و مکاتبه مقامات دولتی بود.

• مستولیت ملی: دری، نخستین صورت زبان ادبی فارسی نو در برابر نفوذ زبان عربی بود.

• کاربرد عمومی: فارسی دری موجودیت خود را با سرخستی حفظ کرد و به تدریج، غنی و پریار شد، تا این‌که به زبان عمومی سراسر ایران تبدیل شد.

• جغرافیای رواج: ابتدا در شرق و شمال شرقی ایران

مخلص کلام

قرب، این از درسن پنجم!

دریاره «تاریخ ادبیات پیش از اسلام» فواردی.

دیدی که در دوره باستان، ایرانی‌ها اساساً اعتقاد پدرانی به نوشتمن نداشته‌اند

شیدی که زبان‌های ایرانی، در طول تاریخ برای فورشان انواع و اقسامی داشته‌اند و به زبان ما ایرانی‌ها همیشه فارسی (به معنی امروزش) گفته نمی‌شده‌اند

دانستی که فارسی «باستان»، «بیانه» و «نو»، سه شاخه ادبی زبان‌های ایرانی هستند.

نمودمیدی که پرآنکنگی اقوام زبان‌ها را هم، با فورش این طرف و آن طرف می‌بردند مثلاً فارسی «بیانه»، «شرقی» و «غربی» داشته و شاخه غربی، فورش به

«غربی شمالی» (پارتی، پهلوانیک) و «غربی پتویی» (پهلوی) تقسیم می‌شود.

یارگرفتی که در وقت آسوریک، بادگار زریزان، هزار و یک شب، و کلیله و دمنه از آثار معتمد این دوره‌ها هستند.

همه این‌ها را فورش تهریه کردی. مانند «پرسیدن» و «پاگتارن». هر وقت هنر کردی آثارهای، بیا برای تست!

۱. حکومت طاهریان، نخستین دولت اسلامی در ایران، پس از سقوط امپراتوری ساسانی بود.



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱۷۹- کدام گزینه اطلاعات نادرستی را درباره پیشینه زبان و ادبیات فارسی ارائه می‌کند؟

- (۱) آثار ادبی منتشر و منظوم پهلوی تا مقدار زیادی به دست ما رسیده و برخی از آن‌ها هم، به زبان عربی و فارسی ترجمه شده؛ مانند «هزار و یک شب»
«یادگار زیران» رساله کوچکی به زبان پهلوی است که در زمرة آثار غیردینی دستبندی می‌شود، اما در حقیقت رنگ دینی دارد.
(۲) آثاری که به زبان پهلوی تألیف شده، بیشتر، آثار دینی زردشتی است.
(۳) کلیله و دمنهای که امروز در دست داریم، نسبت به نمونه پهلوی خود دچار تغییرات فراوان شده است.

۱۸۰- عبارت زیر درباره کدام اثر صادق است؟

«از اشعار تعلیمی و اخلاقی به زبان پهلوی که در میان اندرزنامه‌های منتشر قوار گرفته و اصل پارتی دارد.»

- (۱) یادگار زیران (۲) اوستا (۳) هزار و یک شب (۴) کلیله و دمنه

۱۸۱- سنگانوشته‌های بازمانده از دوره هخامنشی با چه خطی نگاشته شده است؟

- (۱) خط پهلوی (۲) خط اوستایی (۳) خط میخی (۴) خط معنی‌نگار

۱۸۲- در کدام گزینه به مراحل سه‌گانه سیر زبان فارسی اشاره شده است؟

- (۱) فارسی دری، فارسی میانه، فارسی عامیانه
(۲) فارسی پهلوی، فارسی میانه، فارسی نو
(۳) فارسی باستان، فارسی میانه، فارسی نو

۱۸۳- «فارسی باستان» زبان رسمی کدام‌یک از سلسله‌های زیر بوده است؟

- (۱) هخامنشیان (۲) ساسانیان (۳) اشکانیان (۴) مادها

۱۸۴- به کدام شاخه از زبان‌های ایرانی میانه، «فارسی میانه» می‌گویند؟

- (۱) زبان پهلوی که زبان رسمی دوران ساسانی بود.
(۲) زبان پارسی که از دوره اشکانیان تا اوایل دوره ساسانی رواج داشت.
(۳) زبان پارتی که از دوره اشکانیان تا اوایل دوره ساسانی رواج داشت.

۱۸۵- درباره «شعر پهلوی» در کدام گزینه قضاؤت درستی صورت نگرفته است؟

- (۱) اشعار کمی به زبان پهلوی در دست است و آن‌چه باقی مانده، دچار تحریف‌ها و دست‌کاری‌های بسیار شده است.
(۲) بعضی از قطعات شعر پهلوی، بازمانده اشعار تعلیمی و اخلاقی‌اند.
(۳) منظومة «درخت آسوریک» از نمونه‌های شعر پهلوی است که ریشه پارتی دارد.

۱۸۶- درباره زبان‌های ایرانی دوره «میانه» کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) دوره رواج این زبان‌ها از حدود سال ۳۰۰ پیش از میلاد تا حوالی سال ۲۰۰ میلادی بوده است.
(۲) به شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی میانه که در شمال و شمال شرقی ایران به آن سخن گفته می‌شده، «پارتی» می‌گویند.
(۳) زبان‌های ایرانی میانه، به دو گروه «پارتی» و «پهلوی» تقسیم می‌شوند.
(۴) شاخه‌های مختلف این زبان‌ها، در ناحیه فارس رواج داشته است.

درس ششم ادبیات فارسی شکل‌گیری و گسترش زبان و

لُّت مطلب

مسیر، هنرمندان، انتظارات

درس ششم درباره پیدا شدن و رشد زبان فارسی بحث می‌کند. اینرا به اتفاقات سه قرن اول و روی کار آمدن دولت‌های صفاری و طاهری می‌پردازد، که با غنیمت شمردن استقلال نسیم کشورت‌ها از فلاحت بفرار، زمینه‌ساز رشد ادبیات فارسی در قرن‌های آینده شوند. در ادامه با تمرکز پیشتر، شرایط اجتماعی و ادبی قرن پهار تا نیمه اول قرن پنجم را بررسی می‌کند و در نوایت، با معرفی پند اثر منشور مهم از این دوره و انتخاب متن‌هایی از هر کدام، معرفی ملموس‌تری از زبان آن سال‌ها همورت می‌دهد.

انتظار داشته باش با فواید من درسن ششم، درباره رشد زبان فارسی در اولین قرن‌های پس از اسلام، و عوامل و فامیان آن، مطالعه مفیدی بارگیری.

قرن‌های اول تا سوم: زندگانی زبان فارسی با وجود شکست سیاسی ایران

قرن سوم: تلاش برای استقلال و گسترش زبان فارسی با ظهور دولت صفاری

شکل‌گیری و گسترش زبان و ادبیات فارسی

قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم: شکوفایی نظام و نثر فارسی

- ❶ شکل‌های پیشین خط فارسی: خط‌های الفبایی میخی، اوستایی، پهلوی
- ❷ شکل کمال‌باقته خط فارسی: الفبای امروزی (مربوط به دوره اسلامی)

۳ قرن اول هجری

پس از سقوط دولت ساسانی و از دست رفتن استقلال سیاسی ایران، در سه قرن نخست هجری ایرانیان به فعالیت‌های علمی و ادبی خود ادامه دادند و آثار زیادی به زبان‌های فارسی، پهلوی و عربی تألیف کردند.

۴ آغاز قرن ۳

دولت نیمه‌مستقل طاهری و بعد از آن، دولت مستقل صفاری بر سر کار آمد.

❶ معرفی یعقوب لیث صفاری

عنوان: مؤسس سلسله صفاری

ویژگی: با زبان عربی آشنایی نداشت و علاقه‌ای هم به این زبان نشان نداد.

اقدامات

❶ تلاش برای ایجاد حکومت مستقل ایرانی و برانداختن یا ضعیف کردن حکومت بغداد و احیای عظمت ایران باستان

❷ مخالفت با رواج زبان عربی در دستگاه حکومت خود

❸ اعلام زبان فارسی دری به عنوان زبان رسمی کشور

۵ قرن و نیمة اول قرن

ویژگی‌ها

❶ مهم‌ترین دوره تمدن اسلامی ایران

❷ دوران شکوفایی نظام و نثر فارسی

❸ رواج رسماها و سنت‌های فرهنگی کهن ایرانی



شخصیت‌های مهم

◎ شاعران: رودکی، عنصری، فخری، منوچهری، فردوسی

◎ دانشمندان: محمد بن زکریا رازی، ابن سینا (دانشمند و شاعر)

رویدادها

◎ سیر زبانی و ادبی

در آغاز این دوره (قرن چهارم) دولت سامانی روی کار آمد. در زمان سامانیان، بخارا عمدت‌ترین مرکز فرهنگی بود. بسیاری از دانشمندان در بخارا آثار ارزش‌های به پارسی و عربی، در قلمرو فرهنگ اسلامی پدید آوردند.

بعضی از امیران سامانی، خودشان، صاحب فضل و ادب بودند. آن‌ها شاعران فارسی‌گو را تشویق می‌کردند و مترجمان را به ترجمة کتاب‌های معتبر به نثر فارسی بر می‌انگیختند.

در ابتدای این عصر، هنوز بیشتر دانشمندان ایرانی برای جذب خوانندگان بیشتر در دنیای اسلام، ناچار، آثار خود را به عربی می‌نوشتند. با گذشت زمان و تفوّد زبان و متون دینی، زبان فارسی دری با زبان عربی بیشتر آمیخته شد و اصطلاحات علمی، ادبی، دینی و سیاسی تازه‌های از عربی، وارد فارسی دری شد.

◎ سیر علمی

در همه زمینه‌های علمی مانند فلسفه و طب و علوم دینی، رشد و ترقی چشم‌گیری اتفاق افتاد

شخصیت علمی پرجسته: ابوعلی سینا: حکیم و دانشمند

ویزگی‌ها: تبحر در همه علوم روزگار خود، صاحب تحقیق و تألیف بسیار، سروdon شعر به فارسی و عربی

◎ سیر اجتماعی

این دوره، عصر اندیشه استقلال ملی ایران بود. امیران سامانی با تأکید بر ضرورت تألیف به زبان فارسی دری و گردآوری تاریخ و روایات گذشته ایرانی، در برابر خلافت بیگانه بنداد به هویتی مستقل دست پیدا کردند و با تشویق شاعران و نویسنده‌گان تلاش کردند در محاوار التلر و خراسان

بزرگ، ترکیب تازه‌ای از هویت فرهنگی، یعنی احیای اندیشه ایرانی در چهارچوب فرهنگ اسلامی را ترویج کنند.

به ویژه قرن چهارم، دوران رواج و محافظت از آداب و رسوم ملی بود. پایه حمام‌های ملی به زبان فارسی، در این قرن گذاشته شد.

◎ سیر تاریخی

سامانیان سرانجام از ترکان آل افراصیاب شکست خوردند و خراسان به دست سبکتگین و پرسش، محمود افتاد و سلسله غزنوی در ۳۵۱ هجری در شهر غزنه تشکیل شد؛ در نتیجه این تغییرات سیاسی، تا مدتی رشد و رواج فرهنگ و ادب پارسی رو به رکود گذاشت؛ اما در ادامه، غزنیان هم برای ماندگاری خودشان، ناچار، به رواج زبان فارسی پرداختند و دست‌کم تا پایان سلطنت سلطان مسعود، دربار غزنوی از نعمت وجود شاعران بزرگی مانند عنصری، فخری و منوچهری که در واقع، تربیت شده اواخر دوره سامانی بودند، برخوردار بود.

شعر قرن ۴ و نیمة اول قرن ۵

سادگی و روانی کلام و فکر و خیال خودشان را همان‌طور که به ذهن می‌رسید، بیان می‌کردند.)

توجه به واقعیت پیرونی (مفاهیم ذهنی‌شان، از قلمرو تعالیم کلی اخلاقی فراتر نمی‌رفت.)

آوردن ترکیب‌های تازه

ویزگی شعر در قرن ۴ و نیمة اول قرن ۵

به کار بردن استعاره‌ها و شبیهات تازه و متنوع

مهارت در انواع توصیف





۴) گونه‌های دیگر شعر در این دوره

شعر حکمی و اندرزی (پند و موعظه و بیان مسائل حکمت‌آموز) در این دوره به وجود آمد و در دوره سلجوقیان به پختگی رسید. آوردن موعظه و نصیحت در شعر پارسی، از آغاز قرن چهارم معمول شد و قطعه‌های کوتاه در این زمینه سروده شد، اما نخستین کسی که قصيدة کاملی با موضوع «حکمت و اندرز» سرود، **«کسایی مروزی»** بود و بعدها «ناصر‌خسرو» شیوه او را ادامه داد.

دانستان‌سرایی و قصه‌پردازی و آوردن حکایات‌ها و مثال‌ها هم، در شعر این دوره آغاز شد.

پدر شعر فارسی: **رودکی**

علت نام‌گذاری: شعر فارسی (به معنی کامل خود) نخستین بار به دست **رودکی** بنیان نهاده شد.

۵) نثر قرن ۴ و نیمه اول قرن ۵



۶) آثار نثر فارسی در این دوره

۱) شاهنامه

نام اثر: **شاهنامه ابومنصوری / نویسنده: عده‌ای از دانشوران خراسان / توضیحات: این کتاب، تاریخ گذشته ایران است و فقط چند صفحه از مقدمه آن باقی مانده.** / زمان تالیف: ۳۴۶ هـ - ق.

«پس امیر ابومنصور عبدالرزاقد دستور خویش ابومنصور المقصري را بفرمود تا خداوندان کتب را، از دهقانان^۱ و فرزانگان و جهان‌دیدگان، از شهرها بیاورد و چاکر او ابومنصور المقصري به فرمان او نامه کرد و کس فرستاد به شهرهای خراسان، و هشیاران از آنجا بیاورد از هر جای و از هر شارستان گرد و بنشاند به فراز آوردن این نامه‌های شاهان و کارنامه‌هایشان، و زندگانی هر یکی، از داد و بیداد و آشوب و جنگ و آیین، از کی نخستین که اندرون جهان، او بود که آیین مردی آورد و مردمان از جانوران پدید آورد، تا یزدگرد شهریار که آخر ملوک عجم بود، اندرون ماه محروم، و سال بر سیصد و چهل و شش از هجرت بهترین عالم، محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم؛ و این را نام شاهنامه نهادند تا خداوندان داشت اندرون جهان کنند و فرهنگ شاهان و مهتران و فرزانگان و کار و ساز پادشاهی و نهاد و رفتار ایشان و آیین‌های نیکو و داد و داوری و رأی و ... را بدین نامه اندرون بیانند».

۲) **بارگردانی:** بنابراین سلطان ابومنصور عبدالرزاقد به وزیر خود، ابومنصور مغمری فرمان داد تا نویسنده‌گان را - از قبیل کددخایان و خردمندان و پیران باتجربه - از شهرهای مختلف دعوت کند و ابومنصور مغمری که خدمتگزار پادشاه بود، به دستور او نامه‌هایی نوشت و پیک‌هایی به شهرهای خراسان فرستاد و داناییان آن سرزمین را از مناطق و شهرهای مختلف [از زندگانی پادشاه] اورد و [آنها را] مأمور گردآوری سرگذشت پادشاهان و اقداماتشان و [اتفاقات] زندگی هر کدام، از قبیل عدالت و ستم و شورش و نبرد و عقاید [شان] کرد؛ از نخستین پادشاه با عنوان «کی» [گرفته] که او بود که [برای اولین بار] روش جوان مردی را [در حکومت] در پیش گرفت و از انسان‌های اولیه، جامعه‌ای متعمن ساخت، تا خسرو یزدگرد که آخرين پادشاه ایرانیان [تا پیش از اسلام] بود، [او این فرمان پادشاه برای تألیف کتاب] در ماه محروم [و در حالی که] سیصد و چهل و شش سال [به تاریخ قمری] از هجرت شایسته‌ترین [انسان] جهان آفرینش [حضرت] محمد مصطفی - که درود و سلام خداوند بر او باد - گذشته [بود، صادر شد] و نام آن کتاب را «شاهنامه» گذاشتند، برای این که داناییان به آن توجه کنند و مبنیش و رفتار پادشاهان و حاکمان و خردمندان و شیوه و آداب حکومت و اصول و سبک آنان و رسوم خوب و عدالت و قضاوت و اعمال نظر و مانند این‌ها را در این کتاب به دست بیاورند.

۱) دهقانان: صاحبان ده بزرگانی از ایرانیان اصلی که حافظ آداب و رسوم و روایت‌های ایران باستان بودند.

ویژگی‌های نثر

- «را» در معنی حرف اضافه: ابومنصور المعمري را بفرمود: به ابومنصور معقری فرمان داد
- تقدم فعل (پیش‌تر آمدن فعل نسبت به برخی اجزای دیگر): کس فرستاد به شهرهای خراسان / بنشاند به فراز آوردن این نامه‌های شاهان
- تعداد ناچیز واژه‌های عربی: مثلاً در تمام عبارت زیر، به جز نام و زیر، که آن هم اسم خاص است، هیچ واژه عربی‌ای به کار نرفته:
- و چاکر او ابومنصور المعقری به فرمان او نامه کرد و کس فرستاد به شهرهای خراسان و هشیاران از آن جا بیاورد از هر جای، و از هر شارستان گرد کرد و بنشاند به فراز آوردن این نامه‌های شاهان و کارنامه‌هاشان، و زندگانی هر یکی، از داد و بیداد و آشوب و جنگ و آبین / فرهنگ شاهان و مهتران و فرزانگان و جهان دیدگان / این نامه‌های شاهان و کارنامه‌هاشان، و زندگانی هر یکی، از داد و بیداد و آشوب و جنگ و آبین / فرهنگ شاهان و مهتران و فرزانگان و کار و ساز پادشاهی و نهاد و رفتار ایشان و آبین‌های نیکو و داد و داوری و رأی

گلوبه ۲

نام اثر: ترجمه تفسیر طبری / نویسنده: جمعی از دانشمندان / توضیحات: اصل تفسیر را «محمد بن جریر طبری» به زبان عربی و به نام خود نوشته. این کتاب تفسیر بزرگ است از روایت محمد بن جریر طبری - رحمة الله عليه - ترجمه کرده به زبان پارسی دری؛ و این کتاب را بیاوردند از بغداد، نیشه به زبان تازی؛ پس دشخوار آمد خواندن این کتاب. امیر سید ابوالمنظفر ابوصالح منصور، علمای ماوراءالنهر را گرد کرد و از ایشان فتوی کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؟ گفتند: روا باشد خواندن و نیشن تفسیر قرآن به پارسی، مر آن را که او تازی نداند.

● بازگردانی: این کتاب تفسیر جامعی است، نوشته محمد بن جریر طبری - که رحمت خدا بر او باد - که به زبان فارسی دری برگردانده شده. [نسخه اصلی] این کتاب را از بغداد آوردند، در حالی که به زبان عربی نوشته شده بود و مطالعه آن دشوار بود. سلطان سید ابوالمنظفر ابوصالح منصور، عالمان [ادینی] ماوراءالنهر را جمع کرد و از آن‌ها حکم شرعی این را پرسید که آیا جایز است که این کتاب را به زبان فارسی ترجمه کنیم؟ پاسخ دادند: برای کسی که زبان عربی بلد نیست، خواندن و نیشن تفسیر قرآن به زبان فارسی جایز است.

ویژگی‌های نثر

● کاربرد واژه‌های کهن: دشخوار (دشوار)

- تقدم فعل (پیش‌تر آمدن فعل نسبت به برخی اجزای دیگر): این کتاب تفسیر بزرگ است از روایت محمد بن جریر طبری. / پس دشخوار آمد خواندن این کتاب.

● جملات توصیفی (شبیه به جملات وصفیه یا حالتیه عربی): ترجمه کرده به زبان پارسی دری / نیشه به زبان تازی

● کاربرد «را» هموار با نشانه مفعولی «مر»: روا باشد خواندن و نیشن تفسیر قرآن به پارسی، مر آن را که او تازی نداند.

● تعداد اندک واژه‌های عربی: مثلاً در جمله زیر، به جز «قرآن» که اسم خاص است و «تفسیر» و «فتوى» که اصطلاحات تخصصی هستند، «کتاب» تنها واژه عربی به کار رفته است: «از ایشان فتوی کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؟ گفتند: روا باشد خواندن و نیشن تفسیر قرآن به پارسی، مر آن را که او تازی نداند.»

گلوبه ۳

نام اثر: تاریخ بلعمی / نویسنده (متجم): ابوعلی بلعمی / توضیحات: به دستور منصور بن نوح سامانی، کتاب «تاریخ الرسل و الملوك» را که محمد بن جریر طبری به عربی نوشته بود، به فارسی برگرداند. بلعمی اطلاعات دیگری را درباره تاریخ ایران به آن اضافه کرد و با حذف مطالبی از اصل تاریخ طبری، آن را به صورت تالیفی مستقل درآورد.

اندر حدیث پادشاهی ضحاک تازی:

دو این ضحاک را ازدها به وی، از آن گفتندی که بر کتف او دو پاره گوشت بود بزرگ برزسته دراز، و سر آن به کردار ماری بود و آن را به زیر جامه اندر داشتی، و هرگاه که جامه از کتف برداشتی خلق را به جادوی چنان نمودی که این دو ازدهاست و از این قبیل، مردمان از او بترسیدندی، و عرب او را ضحاک گفتند.

● بازگردانی: درباره قضیة ضحاک [فرماتروای] عرب [نژاد]:

و به این دلیل به این ضحاک [که در جملات قبلی حکایت معرفی شده] ازدها می‌گفتند که روی سرشانه‌هایش دو تکه گوشت بزرگ و دراز روییده بود و سر آن [دو]، مانند مار بود و [ضحاک] آن‌ها را زیر لباس [بنهان] نگه می‌داشت و هنگامی که لباسش را از روی کتفهایش کنار می‌زد، با سحر و جادو به مردم این طور و ائمه می‌کرد که این‌ها دو ازدها هستند و به این دلیل، مردم از او می‌ترسیدند؛ و عرب‌ها نام او را «ضحاک» گذاشته بودند.

ویژگی‌های نثر

● عبارت‌های توصیفی (شبیه به جملات وصفیه یا حالتیه عربی): بر کتف او دو پاره گوشت بود بزرگ برزسته دراز.

● تعداد اندک واژه‌های عربی: مثلاً در عبارت زیر، به جز «ضحاک» که اسم خاص است، «کتف» تنها واژه عربی به کار رفته است: «و این ضحاک را ازدها به وی، از آن گفتندی که بر کتف او دو پاره گوشت بود بزرگ برزسته دراز، و سر آن به کردار ماری بود و آن را به زیر جامه اندر داشتی.»



گلوبه ۴



- کاربرد ساخت کهن ماضی استمراری: گفتندی / داشتی / برداشتی / بترسیدنده
- کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم: آن را به زیر جامه اندر داشتی
- تقدم فعل (پیشتر آمدن فعل نسبت به برخی اجزای دیگر): بر کتف او دو پاره گوشت بود بزرگ برزسته دراز.

مخلص کلام

لطف، این از درس ششم

در برایه «شکل‌گیری و گسترش زبان و ادبیات فارسی در قرن‌های پهلوی و پنجم» فوانی.

ربایری که کلمات‌ها پهلوی بر رواج و رکود زبان‌ها اثر می‌گذارند.

شیدری که یعقوب ایث که بود و «فقم» این بقای سیستان، پهلوی زبان فارسی را بعد از پنجم قرن، در برایه به زبان رسمی کشور تبدیل کرد. (فسته نیاشی دلاورا فرا قوت پهلوان!!)

دانستی که پهلوی کسانی هاندروکی و ملوپهوری و فردوسی و تاجیرفسرو در شهر و کسانی مثل زکریا و ابن سینا در علوم مختلف، برای کشورمان آبرورداری کردند.

قوهیبری که سارگی، عیانی بورن و توهیفات، تازه، پهلوی شعر قرن‌های ۴ و ۵ را از سایر دوره‌ها متمایز کرد.

یارگرفتی که پهلوی ویژگی‌های نثر این دوره را در شاهنامه ابومنه سوری، ترجمه تفسیر طبری و تاریخ بلعمی پیدا کنی.

همه این‌ها را نوشت تبریه کردی. مانند: «پرسین» و «فالغثارن». هر وقت هنر کردی تماهه‌ای، بنا برای تست ا

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱۸۷- کدام گزینه در برایه «یعقوب لیث صفاری» نادرست است؟

- (۱) دولت مستقل صفاری، با تلاش او در ایران بر سر کار آمد.
- (۲) با هدف بازگرداندن عظمت و اقتدار گذشته به ایران، دولت مستقل ایرانی تشکیل داد تا حکومت بغداد را برآورداده با دست کم آن را تضعیف کند.
- (۳) با آن که زبان عربی را به خوبی می‌دانست، اجازه نداد تا این زبان در دستگاه حکومت او به کار رود.
- (۴) زبان فارسی دری را زبان رسمی کشور اعلام کرد.

۱۸۸- در همه گزینه‌ها به رایج‌ترین انواع شعر فارسی در قرن چهارم و نیمة اول قرن پنجم اشاره شده است، به جز.....

- (۱) مدیحه
- (۲) حماسه
- (۳) عرفان
- (۴) غنا

۱۸۹- کدام گزینه از ویژگی‌های شعر در قرن ۴ و نیمة اول قرن ۵ نیست؟

- (۱) توجه به واقعیت بیرونی
- (۲) به کار بردن استعاره‌های نو و دلیل‌ذیر و تشبیهات گوناگون
- (۳) پیچیدگی کلام و فکر

۱۹۰- کدام عبارت در برایه شعر قرن ۴ و نیمة اول قرن ۵ نادرست است؟

- (۱) شعر حکمی و اندزی در این عهد به وجود آمد و در دوره سلجوقیان به پختگی رسید.
- (۲) داستان‌سرایی و قصه‌پردازی و آوردن حکایت‌ها و متن‌ها در شعر این دوره آغاز شد.
- (۳) روکی و شهید بلخی به شعر حماسی این دوره قوت و استحکام بخشیدند.
- (۴) مدیحه از آغاز ادب فارسی به پیروی از شعر عربی معمول گشت.

۱۹۱- در برایه وضعیت فرهنگی قرن چهارم و نیمة اول قرن پنجم هجری کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) این دوره مهم‌ترین دوره تمدن اسلامی ایران بود.
- (۲) نظام و نثر فارسی در این دوره شکوفا شد.
- (۳) رسم‌ها و سنت‌های فرهنگ کهن ایرانی در این دوره با وجود مخالفت‌های دولت سامانی رواج یافت.

(۴) آثار ارزشناهای پارسی و تازی، در بخارا که عمده‌ترین مرکز فرهنگ اسلامی آن زمان بود، پدید آمد.

۱۹۲- در برایه نحوه برخورد حکومت‌های خراسان بزرگ با ادب و فرهنگ ایرانی کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) امیران سامانی شاعران فارسی گوی را به سروden، و مترجمان را به ترجمه کتاب‌های معتبر به نثر فارسی تشویق می‌کردند.
- (۲) زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در زمان سامانیان دوران درخشانی را به خود دید و این درخشش حتی با انقراف این سلسله، به دست ترکان آل افراطیاب ادامه یافت.
- (۳) غزویان برای ماندگاری خود، ناگزیر از رواج زبان پارسی شدند و تا پایان سلطنت مسعود شاعران بزرگ فارسی گوی در دربار غزنی حضور داشتند.
- (۴) پژوهش شاعران بزرگی مانند عنصری، فرخی و منوچهری در دربار حاکمان خراسان، نشانه حمایت ایشان از زبان فارسی بوده است.

۱۹۳- در همه گزینه‌ها به نام برخی از بزرگان عرصه علمی یا ادبی کشور در قرن چهارم و نیمة اول قرن پنجم اشاره شده است، به جز.....

- (۱) روکی سمرقندی - عنصری
- (۲) خاقانی شروانی - فردوسی توسي
- (۳) محمد بن زکریای رازی - ابوعلی سینا
- (۴) فردوسی توسي - روکی سمرقندی



۱۹۴- کدام گزینه درباره موضوع و محتوای شعر در قرن چهارم و نیمة اول قرن پنجم نادرست است؟

- (۱) حماسه، مدیحه و غنا از موضوعات رایج در شعر این دوره است.
- (۲) از آغاز قرن چهارم شعر جکمی و اندرزی به وجود آمد و قطعه‌های کوتاه در این باب سروه شد.
- (۳) صدور زبان فارسی به سرزمین‌های غیر فارسی زبان همسایه، از اتفاقات مهم این دوره بود.
- (۴) داستان‌سرایی و قصه‌پردازی و آوردن حکایت‌ها و مثل‌ها در شعر، از این دوره آغاز شد.

۱۹۵- کدام گزینه درباره سخن‌سرایان بزرگ قرن چهارم و نیمة اول قرن پنجم نادرست است؟

- (۱) شعر پارسی در این دوره به دست رودکی بنیان نهاده شد؛ به همین سبب او را «پدر شعر فارسی» نام نهاده‌اند.
- (۲) حماسه ملی ایران و شعر حماسی با فردوسی به اوج رسید.
- (۳) شعر غنایی در این عهد با دو شاعر مشهور، رودکی سمرقندی و جلال‌الدین محمد بلخی، قوت و استحکام یافت.
- (۴) در این دوره نخستین کسی که قصيدة جکمی و اندرزی تمام و کمال سرود، «کسایی مروزی» بود که بعدها «ناصرخسرو» شیوه او را ادامه داد.

۱۹۶- شعر غنایی در قرن چهارم و نیمة اول قرن پنجم با کدام شاعران قوت و استحکام یافت؟

- (۱) منوچهری - ناصرخسرو (۲) اوری - فردوسی (۳) رودکی - شهید بلخی

۱۹۷- نخستین سراینده قصاید کمال یافته جکمی و اندرزی در دوره اول شعر فارسی کیست؟

- (۱) فردوسی توosi (۲) رودکی سمرقندی (۳) ناصرخسرو قبادیانی

۱۹۸- در همه گزینه‌ها به ویژگی‌های شعر دوره اول اشاره شده است، به جز.....

- (۱) مهارت در توصیف (۲) توجه‌نکردن به واقعیت‌های بیرونی (۳) سادگی و روانی کلام

۱۹۹- «پدر شعر فارسی» لقب کدام شاعر ادب فارسی است؟

- (۱) محمد بن وصیف (۲) شهید بلخی (۳) رودکی سمرقندی

۲۰۰- شرح زیر، کدام اثر را معزوف می‌کند؟

«این کتاب که ابتدا به فرمان منصور بن نوح سامانی در ترجمة تاریخ مفصلی که محمد بن جریر طبری نوشته بود، به رشته تحریر درآمد، بعدها با حذف مطالبی از اصل کتاب و افزودن بخش‌های جدیدی به آن، به عنوان اثری مستقل، در شمار مهم‌ترین متون تاریخی عصر سامانی قرار گرفت.»

- (۱) تاریخ طبری (۲) تاریخ بلعمی (۳) ترجمه تفسیر طبری (۴) مجلل التواریخ

۲۰۱- عبارت زیر معزوف کدام اثر است؟

«این اثر به دست عذه‌ای از دانشوران خراسان، حدود سال ۳۴۲ قمری، نوشته شد که تاریخ گذشته ایران به شمار می‌آید و فقط جند صفحه از مقدمه آن باقی مانده است.»

- (۱) تفسیر طبری (۲) تاریخ بلعمی (۳) شاهنامه ایومنصری (۴) تاریخ طبری

۲۰۲- کدام ویژگی نوشتاری در متن زیر وجود دارد؟

«و این ضحاک را زده‌ای به وی از آن گفتند که بر کتف او دو پاره گوشت بود، بزرگ، بروئسته دراز، و سر آن به کردار ماری بود و آن را به زیر جامه اندر داشتی، و هرگاه که جامه از کتف برداشتی، خلق را به جادوی چنان نمودی که این دوازده‌است و از این قبیل مردمان از او بترسیدند، و عرب اوراضحاک گفتند.»

- (۱) استفاده از ترکیبات دشوار (۲) سادگی و پرهیز از به کار بردن اصطلاحات علمی و اشعار (۳) تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث

۲۰۳- درباره «شاهنامه ایومنصری» کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) «شاهنامه ایومنصری» به دست عذه‌ای از دانشوران خراسان نوشته شده است.

(۲) سال تألیف کتاب حدود ۳۴۶ قمری است.

(۳) این کتاب، به نوعی، تاریخ گذشته ایران به شمار می‌آید.

(۴) مقدمه و فصل اول کتاب از بین رفته، اما سایر فصل‌های آن به دست ما رسیده است.

۲۰۴- با توجه به متن زیر، کدام گزینه درباره «ترجمة تفسیر طبری» نادرست است؟

«این کتاب، تفسیر بزرگ است از روایت محمد بن جریر طبری، و این کتاب را بیاورند از بغداد، نیشته به زبان تازی، امیر، علمای مأواه‌الله را گرد کرد و از ایشان فتوی کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؟ گفتند: روا باشد خواندن و نیشتن تفسیر قرآن به پارسی، مر آن را که او تازی نداند.»

- (۱) اصل کتاب، به زبان عربی و نوشته محمد بن جریر طبری است.

(۲) پادشاه برای ترجمة تفسیر، نیاز به حکم شرعی از سوی علمای دینی داشت.

(۳) علمای مأواه‌الله به طور کلی با تفسیر قرآن مخالف بودند.

(۴) علمای مأواه‌الله خواندن و نیشتن تفسیر قرآن به فارسی را جایز نمی‌دانستند، مگر برای کسی که زبان عربی را بلد نباشد.

۲۰۵- با توجه به متن زیر، کدام گزینه درباره «تاریخ بلعمی» نادرست است؟

- (۱) نام دیگر کتاب، «بیتلملوک» است.

(۲) مترجم، اصل کتاب را به دستور «منصور بن نوح»، امیر سامانی، ترجمه کرده است.

(۳) اصل کتاب، به زبان عربی و نوشته «محمد بن جریر طبری» است.

(۴) بلعمی اطلاعات دیگری راجع به تاریخ ایران، بر نسخه اصلی افزود و با حذف مطالبی از اصل تاریخ طبری، آن را به صورت تألیفی مستقل درآورد.

درس هفتم

سبک و سبک‌شناسی، سبک خراسانی

لُّمَطْلَب

مسیر، مهندسیات، انتظارات

درسن هفتم درباره سبک‌شناسی با مهندسیات «سبک فراسانی» مبحثت می‌گذرد. درسن با معرفی مفهوم «سبک» و کاربرد این اصطلاح در ادبیات شروع می‌شود. بعد، دسته‌بندی‌هایی از انواع سبک‌ها براساس نظریات ارسطو (در یونان باستان) و ملک‌الشعرای بهار (در ایران معاصر) در دو بخش شعر و نثر در انتظارات می‌گذارد. در ادامه با تمرکز بر سبک فراسانی، به توصیف شرایط تاریخی و چهارگانی این دوره می‌پردازد و شاعران پرگر این سال‌ها را معرفی می‌کنند و بعد، به ویژگی‌های شعر سبک فراسانی در سه قلمرو «زبانی»، «ادبی» و «فلکری» سروسامان می‌خرد. بعد از این‌ها نوبت به نثر می‌رسد که در دو دوره کوتاه‌تر «سامانی» و «غزنی» - سلیمانی - سلیمانی تشریح شده و نمونه‌های موققی هم، از هر دوره معرفی شده است. انتظار را شه باش با مواندن درسن هفتم، نسبت به کلیات سبک، دسته‌بندی‌های سبک، سبک فراسانی و بررسی قلمروهای مختلف آن در شعر و نثر، هرفهای فوین بارگیری.

سبک (در اصطلاح ادبی)

شیوه خاص یک اثر یا مجموعه‌ای از آثار ادبی

﴿سبک شعر﴾

مجموعه ویژگی‌هایی که شاعر در نحوه بیان اندیشه به کار گرفته.

﴿تنوع و اشتراک در سبک﴾

سبک، در کلی ترین تعریف خود، شیوه شخصی بیان هر نویسنده یا شاعر است، پس به تعداد شاعران و نویسنده‌گان جهان، سبک وجود دارد، اما در عین تفاوت، شباهت‌هایی هم در نحوه بیان برخی از آن‌ها وجود دارد که می‌تواند آن‌ها را در یک دسته قرار دهد.

۱- نام شاعر یا نویسنده: سبک فردوسی، سبک بیهقی

۲- زمان و دوره اثر: سبک دوره غزنوی، دوره مشروطه

۳- موضوع و نوع: سبک عرفانی، سبک حمامی

۴- محیط جغرافیایی: سبک آذربایجانی، سبک خراسانی

طبقه‌بندی سبک‌ها، براساس

نظریه ارسطو^۱

۵- نوع مخاطب: سبک عامیانه، سبک عالمانه

۶- هدف: سبک تعلیمی، سبک فکاهی

۷- قلمرو دانشی: سبک علمی، سبک فلسفی

۱- خراسانی یا ترکستانی: از آغاز شعر فارسی تا قرن ششم

۲- عراقی: از قرن ششم تا قرن دهم

۳- هندی: از قرن دهم تا قرن سیزدهم

۴- دوره بازگشت: قرن سیزدهم

۵- دوره مشروطه

۶- دوره معاصر

طبقه‌بندی سبک‌های شعر

فارسی براساس نظریه بهار^۲

دوره سامانی: ۳۰۰ تا ۴۵۰ هـ. ق

دوره غزنوی و سلجوقی اول: ۴۵۰ تا ۵۵۰ هـ. ق

دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان (نشر فتی): ۵۵۰ تا ۶۱۶ هـ. ق

دوره سبک عراقی (نشر مصنوع): ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ هـ. ق

دوره بازگشت ادبی: ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ هـ. ق

دوره ساده‌نویسی: ۱۳۰۰ هـ. ق تا امروز

طبقه‌بندی سبک‌های نثر

فارسی براساس نظریه بهار

۱. ارسطو از فیلسوفان نامدار یونان باستان است.

۲. محمد تقی بهار، ملقب به «ملک الشعرا» شاعر، ادیب، روزنامه‌نگار، تاریخ‌نگار و سیاستمدار ایرانی است.

مکتب‌ها و سبک‌های ادبی معمولاً نتیجه اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دوران زندگی شاعر و نویسنده بوده‌اند.

شعر دوره اول

﴿ نام‌گذاری سبک دوره اول: نخستین آثار نظم زبان فارسی بعد از اسلام، ابتدا در سیستان و بعد، در ناحیه خراسان بزرگ (خراسان کنونی و افغانستان و تاجیکستان، مواردالله و ترکستان) نوشته شد. به سبک این آثار، «سبک خراسانی» گفته‌اند و به دلیل این‌که اوج آن در زمان سامانیان بوده، آن را «سبک سامانی» هم نامیده‌اند.

﴿ تقسیم‌بندی سبک خراسانی: سبک خراسانی بر حسب زمان به سه سبک فرعی «سامانی، غزنوی و سلجوقی» تقسیم می‌شود که ویژگی‌های مشترکی دارند. سبک دوره سلجوقی را باید «بینابین» نام نهاد؛ زیرا ویژگی‌های سبک عراقی نیز در آن به چشم می‌خورد.

﴿ شاعران معروف سبک خراسانی: روکی، فردوسی، ناصرخسرو سادگی زبان شعر

کمی لغات عربی و لغات بیگانه در مقایسه با دوره‌های بعد، به جز اصطلاحات دینی و علمی

زبانی

تفاوت تلفظ برخی از کلمات در مقایسه با زبان امروز: یک - هزار → یک - هزار

کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات در مقایسه با دوره‌های بعد

استفاده از دو نشانه برای متهم: زدش یز زمین یز

قالب عمده، «قصیده» است؛ مسقط، ترجیع‌بند و مثنوی هم، کم‌کم در این دوره شکل می‌گیرد

و قالب غزل نیز در اواخر این دوره، رشد می‌کند.

ادبی

استفاده طبیعی و در حد اعتدال از آرایه‌های ادبی

ساده‌بودن قافیه و ردیف

ویژگی‌های شعر سبک خراسانی

بهره‌گیری زیاد از تشبیه (از نوع حتی) در توصیفات

غلبة روح شادی و نشاط و خوش‌باشی

واقع‌گرا بودن شعر و طبیعی، ساده، محسوس و عینی بودن بیشتر توصیفات

زمینی‌بودن معشوق

садگی فکر و کلام (آمیخته‌بودن شعر با پیچیدگی‌های عرفانی، حکمی و اندیشه‌های فلسفی)

فکری

حاکم‌بودن روح حماسه بر ادبیات

ساده‌بودن و جنبه عملی و دستوری داشتن اشعار پندآموز و اندرزگونه

داشتن مضمون‌هایی مانند حماسه و مدح و اندرز

شیر دوره اول

نشر این دوره را در دو شاخه بررسی می‌کنیم: (الف) دوره سامانی ب) دوره غزنوی و سلجوقی

﴿ نثر دوره سامانی

ایجاز و اختصار در لفظ (ظاهر) و معنا (مفهوم کلمات و عبارات)

تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی

کوتاهی جملات

لغات کم‌کاربرد فارسی در مقایسه با دوره‌های بعد

بهره‌گیری کم‌تر از لغات عربی

افزایش نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی

ویژگی‌های نثر دوره سامانی

محتوای نثرها، بیشتر علمی و گاهی حماسی، تاریخی و دینی است.

نمونه‌های موفق: ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، التفہیم، شاهنامه ابومنصوری



۱۰ نثر دورهٔ غزنوی و سلجوقی

اطناب (طولانی شدن جمله‌ها)

تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار عرب
حذف افعال به قرینه

افزایش کاربرد لغات عربی (نسبت به دورهٔ قبل)

نحوه‌های موقق: تاریخ بیهقی، قابوس‌نامه، سفرنامه ناصرخسرو، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت، کشفالمحجوب

ویژگی‌های نثر دورهٔ
غزنوی و سلجوقی

افزایش کاربرد لغات عربی (نسبت به دورهٔ قبل)

خلاصه کلام

قب، این از درسن هفتما

درباره سبک و سبک‌شناسی در دوره اول (سبک فراسانی) خواندی.

دریی که سبک‌ها و مکتب‌ها پهلوور در بی شرایط سیاسی و اجتماعی به وجود می‌آیند.

شیدری که ارسسطو پهلوور زمان و موضوع و مهیط و مطابق و مؤلف و هرف را در ستندی اثر ادبی مهم می‌داند.

دانستی که مهرهٔ ملک‌الشعرای بوار پهلوور برای شعر و نثر فارسی براساس شرایط زمانی و جغرافیایی، تقسیم‌بندی‌های یوفه فردمان را ارائه کرده است.

تفصیدی که قلمروهای زبانی، ادبی و گلگی شعر فراسانی، پهلوور شعر شاعران این سبک را به تام فروشان و دورانشان ثبت کرده است.

یارگرفتی که نثر فراسانی پهلوور در دو دورهٔ کوتاه پسپرده به هم (سامانی و غزنوی - سلوجوی) ویژگی‌های مجزا و هنری متفاوت دارد.

همه این‌ها را فردت تحریر کرده، مانند «پرسیدن» و «فالافتارن»، هر وقت هنر کردی آثارهای، بیا برای تست!

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۲۰۶- درباره «سبک»، به معنی ادبی‌اش، کدام گزینه نادرست است؟

(۱) سبک در اصطلاح ادبی، شیوه خاص یک اثر با مجموعه آثار ادبی است.

(۲) سبک، شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر است.

(۳) سبک، معمولاً نتیجه اوضاع زمانی‌ای است که آن را به وجود آورده است.

(۴) سبک، مفهومی محدود است و قابلیت تنوع و تعدد ندارد.

۲۰۷- چند عبارت مطابق با طبقه‌بندی سبک‌ها براساس نظریه «ارسطو» نوشته شده است؟

الف) براساس نام شاعر یا نویسنده: مانند سبک فردوسی، سبک بیهقی

ب) براساس زمان و دوره اثر: مانند سبک دورهٔ غزنوی، دورهٔ مشروطه

پ) براساس موضوع: مانند سبک عراقی، سبک هندی

ت) براساس محیط جغرافیایی: مانند سبک آذربایجانی، سبک خراسانی

ث) براساس مخاطب: مانند سبک عامیانه، سبک عالمانه

ج) براساس هدف: مانند سبک تعلیمی، سبک فکاهی

(۱) سه

(۲) چهار

(۳) پنج

(۴) شش

۲۰۸- سبک‌های «حمسی - سعدی - مشروطه - عامیانه» به ترتیب بر چه اساسی نام‌گذاری شده‌اند؟

(۱) موضوع - محیط جغرافیایی - زمان و دوره - لحن

(۲) هدف - شاعر - حوادث سیاسی - مخاطب

(۳) موضوع - پدیدآورنده - زمان و دوره - مخاطب

(۴) هدف - نویسنده - زمان و دوره - لحن

۲۰۹- در نام‌گذاری سبک‌های زیر، ملاک تقسیم‌بندی در چند مورد به درستی معزّفی نشده است؟

«بیدل دهلوی (نام شاعر) / غنایی (هدف) // پروین اعتمادی (نام شاعر) / عالمانه (مخاطب) / حمسی (هدف)»

(۱) چهار مورد

(۲) سه مورد

(۳) دو مورد

(۴) یک مورد

۲۱۰- مطابق نظر «ملک‌الشعرای بهار»، شعر فارسی، به طور کلی قابل تفکیک به چند نوع سبک و دوره است؟

(۱) شش نوع - سبک خراسانی - سبک عراقی - سبک هندی - سبک آذربایجانی - دورهٔ بازگشت - شعر تو

(۲) شش نوع - سبک ترکستانی - سبک عراقی - سبک هندی - دورهٔ بازگشت - دورهٔ مشروطه - دورهٔ معاصر

(۳) پنج نوع - سبک خراسانی - سبک عراقی - دورهٔ بازگشت - سبک هندی - دورهٔ معاصر

(۴) پنج نوع - سبک ترکستانی - سبک عراقی - دورهٔ مشروطه - دورهٔ بازگشت - دورهٔ معاصر



۲۲۵- با توجه به «ویژگی‌های فکری»، کدام بیت متعلق به سبک خراسانی نیست؟

بین داغ دل و دریاب نقش پای غمها را
نه ابر است و نه خورشید، نه باد است و نه گرد است
اندیه فردا میر، گیتی خواب است و باد
خوش که شراب است و کباب است و ریاب است

(۱) سراغ کاروان دردم از حالم مشو غافل
(۲) الا وقت صبور است، نه گرم است و نه سرد است
(۳) نیز چه خواهی دگر؟ خوش بزی و خوش بخور
(۴) ما مرد شرایم و کبایم و ریایم

۲۲۶- کدام گزینه در «قلمر و فکری» سبک خراسانی سروده نشه است؟

بساکساکه به روز تو آرزومند است
ای بساخرقه که مستوجب آتش باشد
که جهان نیست جز فسنه و باد
چه داری دوست هر زه دشمنی را؟

(۱) به روز نیک کسان، گفت تا تو غم نخوری
(۲) نقد صوفی نه همه صافی بی‌غش باشد
(۳) شاد زی با سیاه‌چشمان، شاد
(۴) دلا تاکی همی جویی منی را؟

۲۲۷- نوع معشوق (زمینی یا آسمانی) در کدام گزینه متفاوت است؟

تونه خدایی، به هیچ خلق نمانی
خمال تو را نقطه آن جیم کرد
نتوان شبے تو گفتن که تو در وهم نیایی
که چنان نتکدل و تافتهدل گشتی از آن؟

(۱) آن که نماند به هیچ خلق خدای است
(۲) زلف تو را جیم که کرد؟ آن که او
(۳) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
(۴) دوش باری چه سخن گفت با تو صنما

۲۲۸- حال و هوای کدام بیت به «ویژگی‌های فکری» شعر خراسانی نزدیک‌تر است؟

نشست گرده میدان بر سر مردان ادا دارد
حق اندر وی ز پیدایی است پنهان
سیلاب سرشک آمد و طوفان بلا رفت
چون خوی فرودویده بر عارضی چو دیبا (خوی: عرق / عارض: چهره)

(۱) زمین انقلاب نظم غیرت نیست ناموزون
(۲) جهان جمله فروغ سور حق دان
(۳) دور از رخ تو دم بهم از گوشة چشم
(۴) گل باز کرده دیده باران بر او چکیده

۲۲۹- در ابیات زیر کدام یک از «ویژگی‌های فکری» شعر خراسانی برجسته‌تر است؟

چون تیغ آبداده و یاقوت آبدار
زردیش بر میانه چو ماء ده و چهار

(۱) نیلوفر کبود نگه کن میان آب
همرنگ آسمان و به کردار آسمان

(۱) معشوق در شعر خراسانی عمده‌تر زمینی است.

(۲) شعر خراسانی واقع‌گرا است و توصیفات آن، عمده‌تاً طبیعی، ساده، محسوس و عینی است.

(۳) در شعر خراسانی جنبه‌های عقلایی بر جنبه‌های احساسی و عاطفی غلبه دارد.

(۴) اشعار پندآموز و اندرزگونه این دوره، ساده است و جنبه عملی و دستوری دارد.

۲۳۰- ابیات زیر، کدام یک از «ویژگی‌های فکری» سبک خراسانی را بهتر نشان می‌دهند؟

آن شناسد که دلش بیدار است
شادی او به جای تیمار است
که همه کار او نه هموار است
۲) شادی و نشاط و خوش‌باشی، در شعر غلبه دارد.

(۱) این جهان پاک خواب‌کردار است
نیکی او به جایگاه بد است
چه نشینی بیدین جهان هموار؟
(۱) روح حماسه بر ادبیات این دوره، حاکم است.

(۲) شعر، واقع‌گرایاست و توصیفات آن، عمده‌تاً طبیعی، ساده، محسوس و عینی است.
(۳) اشعار پندآموز و اندرزگونه این دوره، ساده است و جنبه عملی و دستوری دارد.

۲۳۱- در ابیات زیر از نمونه‌های شعری سبک خراسانی، کدام «ویژگی‌های فکری» یافت نمی‌شود؟

تامی خوروم امروز، که وقت طرب ماست
غم نیست و گر هست نصیب دل اعداست
ب) محسوس و عینی بودن توصیفات
ت) حاکم بودن روح حماسه
ج) سادگی فکر و کلام

(۱) ساقی، تو بدء باده و مطروب تو بزن رود
می هست و دزم هست و بت لاله‌خان هست
الف) غلبه روح شادی و نشاط و خوش‌باشی
پ) زمینی بودن معشوق
ث) سادگی اشعار پندآموز و اندرزگونه

(۱) الف - ب ۲) ت - ث ۳) پ - ت ۴) ث - ج

۲۳۲- کدام بیت با اندیشه‌های غالب در «شعر خراسانی» هماهنگ نیست؟

ز چشم دیده نهان شد در آسمان کوکب
تا اید زین جرم، مطروح در سلطان بود
دلزیما و دلفریب و دلنوواز و دلستان
نه ابر است و نه خورشید، نه باد است و نه گرد است

(۱) چو غوطه خورد در آب کبود مرغ سپید
(۲) چیست جوش؟ کرده چندی پیش، از آزادی حدیث
(۳) نآفرید ایزد ز خوبیان جهان چون تو کسی
(۴) الا وقت صبور است، نه گرم است و نه سرد است



۲۲۳- روح شادی و نشاط و خوشباشی در کدام گزینه محسوس نیست؟

- که جهان نیست جز فسانه و باد
بود آن که بود، خیره چه غم داری؟
اگر فرشته بینند در او فتد در چاه
جند روی چو گل و قامت چون شمشاد است
- (۱) شاد زی با سیاه چشم، شاد
(۲) رفت آن که رفت و آمد آنک آمد
(۳) سمع و باده گلگون و لعبان چو ماه
(۴) همچو نرگس بگشا چشم و بین کاندر خاک

۲۲۴- در همه گزینه‌ها، از میان ویژگی‌های شعر خراسانی، «توصیف ملموس طبیعت» نمایان است، بدacz.....

- به مشک اندر زده دل‌ها، به خون اندر زده سرها
به سان قطره‌های قیر باریده بر اخگرها
ورق‌ها پر ز صورتها، قلمها پر ز زیورها
زمشرق‌ها به مغربها، ز خاورها به خاورها
- (۱) شکفته لاله نهمان، به سان خوب‌خساران
(۲) شقایق‌های عشق‌انگیز، پیش‌پیش طاووسان
(۳) دیران اند پنداری به باع اندر، درختان را
(۴) خداوندی که نام اوست، چون خورشید گستره

۲۲۵- موضوع اصلی در همه گزینه‌ها «توصیف طبیعت» است، بدacz.....

- با صد هزار تزهیت و آرایش عجیب
گاکنون تزد نصیب حبیب از بر حبیب
هر جویتکی که خشک همی‌بود شد رطیب
چون پنجه عروس به حتا شده خضیب (= خذاب)
- (۱) آمد بهار خزم بارنگ و بوی طیب
(۲) اکنون خورید باده و اکنون زید شاد
(۳) کنجی که برف پیش همی‌داشت گل گرفت
(۴) لاله میان گشت بخندید همی ز دور

۲۲۶- مصراج «همیشه شاد و ندانستمی که غم چه بود» از رودکی، کدام ویژگی مهم شعر سبک خراسانی را به خوبی معزّی می‌کند؟

- (۱) خوشباشی (۲) توصیف واقع گرا و عینی (۳) زمینی‌بودن عشوق (۴) سادگی پند و اندر

۲۲۷- با توجه به دو بیت زیر از رودکی سمرقندی، پدر شعر فارسی و شاعر برجسته سبک خراسانی، کدام گزینه با دیدگاه فکری شاعر در تقابل است؟

- گر خار براندیشی خرما نتوان خورد
هر روز به نو یار دگر می‌نتوان کرد
(۱) توصیه به ترمش و مدارا
(۲) دعوت به رنج و تلاش برای دست‌یابی به نتیجه مطلوب
- (۳) صد نیک به یک بد نتوان کرد فراموش
او خشم همی گیرد، تو عذر همی خواه
(۱) ناپسندیدن خشم و غصب
(۳) تشویق به رفتار تلافی‌جویانه

۲۲۸- با توجه به رباعی زیر، مصراج سوم به چه معنی است؟

- گشته‌یم سراپای جهان بادل تنگ
این بس که به سر زدیم و آن بس که به سنگ«
(۱) کار از دست ما خارج شد و دیگر اختیاری نداریم
(۲) راه را گم کرده و از مسیر درست منحرف شدم
- (۳) در جستن آن نگار پر کینه و جنگ
شد دست ز کار و رفت پا از رفتار
(۱) بیهوده عمر خود را تلف کردیم.
(۳) دستم از عمل و پایم از حرکت باز استاد.

۲۲۹- کدام گزینه پیام رباعی زیر را بهتر معزّی می‌کند؟

- گر زشت و سیاه است مرا نیست گناه
عاشق نبود ز عیب عشوق آگاه«
(۱) تبکاریدن عاشق (۲) عشق پاک عاشق و بی‌گناهی او (۳) عیب‌پوشی عاشقانه (۴) بی‌خبری عاشق از حقایق عشق
- (۱) گویند که عشوق تو زشت است و سیاه
من عاشقم و دلم بر او گشته تباه
(۱) عیت‌آموز بودن گذر عمر

۲۴۰- مفهوم کدام گزینه از پیام ایات زیر دورتر است؟

- زمانه چون نگری سریه سر همه پند است
بسا کسا که به روز تو آزومند است«
(۱) عیت‌آموز بودن گذر عمر
(۲) نکوش حسرت‌خوردن بر آسایش دیگران
(۳) توصیه به خرسندي از شرایط ناگزیر زندگی
- (۱) زمانه پنده‌ی آزادوار داد مرا
به روز نیک کسان گفت تا تو غم نخوری
(۱) مفهوم کدام گزینه از پیام ایات زیر دورتر است؟

۲۴۱- موضوع ایات زیر در کدام گزینه به درستی مورد اشاره قرار گرفته است؟

- آن ملکی عدل و آفتاب زمانه
آن که بدو بنگری به حکمت گویی
ازنک سقراط و هم فلاطین یونان
پوزش پذیرد و گناه بخشد
(۱) مناجات با خداوند (۲) مدح و ستایش مددوح (۳) حکمت و خردگرایی (۴) توبه به درگاه الهی
- (۱) آن ملکی عدل و آفتاب زمانه
آن که بدو بنگری به حکمت گویی
ازنک سقراط و هم فلاطین یونان
پوزش پذیرد و گناه بخشد

۲۴۲- پیام اصلی ایات زیر در کدام گزینه به خوبی بازگو شده است؟

- بدان زمانه ندیدی که این چنینیان بود
سرودگویان، گویی هزار دستان بود«
(۱) زیبایی وصف‌ناپذیر عشوق (۲) توصیف طبیعت فصل بهار (۳) ناپایداری دنیا (۴) دعوت به سفر و کسب تجربه





۲۴۳- از نظر نوع و طرفين تشبیه، کدام بيت متعلق به «سبک خراسانی» نیست؟

چو و یئن در میان چاه او من
چون اشک عروسی است برآفاده به رخسار
وین کار سگ و گرگ و رمه با رمه بن است
زنگ افسوسی به دست بادپیما مانده است

- (۱) شبی چون چاه یئن تنگ و تاریک
- (۲) وان قطره باران که برآفتده به گل سرخ
- (۳) لشکر چو سگان رمه و دشمن چون گرگ
- (۴) چون نسایم دست بر هم؟ کز شمار نقد عمر

۲۴۴- با توجه به ردیف و قافیه، کدام گزینه از «سبک خراسانی» دورتر است؟

نبود دندان، لا بل چراغ تابان بود
جشن شاهان و خسروان آمد
چشمیست که باید به در آرد به سرانگشت
آن شناسد که دلش ییدار است

- (۱) مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود
- (۲) ملکا جشن مهرگان آمد
- (۳) بی روی تو مژگان چه نگارد به سرانگشت؟
- (۴) این جهان پاک خواب‌کردار است

۲۴۵- با توجه به میزان و نوع استفاده از آرایه‌های ادبی کدام بيت با «سبک خراسانی» تناسب ندارد؟

به این آتش که من درم مگر آتش کند سردم
سرم با قذ بلندش نه بلند است و نه راست
هنوخ خنجرش از خون تازه چون گلزار
که چنان تنگدل و تاقتمدل گشته از آن؟

- (۱) ز دست عافیت داغم سپند یاس پروردم
- (۲) مشک با زلف سیاهش نه سیاه است و نه خوش
- (۳) هنوز رایش از گرد راه چون نسرين
- (۴) دوش باری چه سخن گفتم با تو صنمای

۲۴۶- ابیات کدام گزینه، در «قالب عمده شعر سبک خراسانی» سروده شده‌اند؟

چو رای عاشقان گردان چو طبع بیدلان شیدا
چو پیلان پراکنده میان آیگون صحا : قصیده
باد خنک از جانب خوارزم وزان است
گویی به مثل پیرهن رنگزان است : مسقط
ز داد این همه داد و فریاد چیست?
بدين پرده اندر تو راه نیست : مثنوی
ترسم که بمیرد از فراقی که تو راست
گرن شنیدی، زهی دماغی که تو راست : رباعی

- (۱) برآمد قیرگون ابری ز روی نیلگون دریا
بدزید و ز هم بگست و گردن گشت بر گردون
- (۲) خیزید و خز آرد که هنگام خزان است
آن برگ رزان بین که بر آن شاخ رزان است
- (۳) اگر مرگ داد است بیداد چیست?
از این راز جان تو آگاه نیست
- (۴) در رهگذر باد چرافی که تو راست
بوی چگرس و خته عالم بگرفت

۲۴۷- در کدام بيت ویژگی زبانی «استفاده از دو نشانه برای یک متنم» وجود دارد؟

بر او سالیان انجمن شد هزار
سر بانوان را چو افسر بند
سخن رفت هرگونه از بیش و کم
که لرزان شد آن خانه صدستون

- (۱) چو ضحاک شد بر جهان شهربار
- (۲) که جمشید را هر دو دختر بند
- (۳) چنان بند که بودند روزی به هم
- (۴) یکی باش بزرد به خواب اندرون

۲۴۸- «استفاده از دو نشانه برای یک متنم» که از ویژگی‌های شعر سبک خراسانی است، در کدام گزینه به چشم می‌خورد؟

گرفت ده هر دو دوال کمر
تو گفتی سپهر بلندش بیست
بدانست کاو هم نماند به زیر
بر شیر بی داردل برگشید

- (۱) به کشتی گرفتن نهادند سر
- (۲) سرافراز سهراپ بسا زور دست
- (۳) زدن بر زمین بر به کردار شیر
- (۴) سبک تیغ تیز از میان برگشید

۲۴۹- مفهوم «نوشتن» در بيت «شد آن زمانه که شعرش همه جهان بنوشت // شد آن زمانه که او شاعر خراسان بود» با مفهوم این فعل در کدام گزینه همانند نیست؟

چاکرش رآن یکی دوتا شته
بغ بنوش مت مفرش دیبا
شب تاریک فرش خود بنوشمت
به غمزه مسئله‌آموز صد مدین شد

- (۱) فرش مشتی گرسنه بنوشه
- (۲) نیگاون پرده برگ شید هوا
- (۳) یامدادان که روز روشن گشت
- (۴) نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت

۲۵۰- مفهوم فعل «شدن» در مصراح «شد آن زمانه که او شاعر خراسان بود» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

گرمه شده اکنون به سینه افغان
کاگه شوی ز فتنه دامی و دانه‌ای
شبتم قدم گذاشت به خورشید یار شد
به دست تو بود ای پری، من چه دام؟!

- (۱) کجا شد آن که به گردون فنان من می‌رفت؟
- (۲) آگاه و آزموده توائی شد آن زمان
- (۳) افتادگی گزین که به این کرسی بلند
- (۴) مپرس این که دیوانه چون شد دل تو؟



- ۲۵۱- معنی و نوع فعل «رفتی» در بیت «بدان زمانه ندیدی که در جهان رفتی / سرودگویان، گویی هزارستان بود» با کدام گزینه هم خوانی دارد؟
- (۱) رفتی و همچنان به خیال من اندی
(۲) دمی نشستی و رفتی، ولی به محفل ما
(۳) دل تنگ که از این پیش به هر کس رفتی
(۴) دلم رسودی و تارفتی از برابر من
- ۲۵۲- در کدام گزینه فعلی با نوع و ساختاری همانند «رفتی» در بیت زیر، آمده است؟
- سرودگویان، گویی هزارستان بوده
نگر که چون شد از اندیشه تو سودایی
تشن گفتی بهار اند بر بهار است
چندان امان نداد که شب را سحر کند
بر مستمندان آمدی چون بخشش و فضل خدا
- ۲۵۳- بدان زمانه ندیدی که در جهان رفتی
- (۱) دلم که لاف زدی از کمال دانایی
(۲) رخش گفتی نگار اندر نگار است
(۳) دیدی که خون ناحق پروانه شمع را
(۴) امروز خندان آمدی مفتح زندان آمدی
- ۲۵۴- کدام مورد، از ویژگی های «نشر سامانی» نیست؟
- (۱) کوتاهی جملات
(۲) وجود واژگان کم کاربرد فارسی
(۳) فراوانی نشانه های جمع عربی نسبت به نشانه های جمع فارسی
- ۲۵۵- در کدام گزینه به ویژگی های نثر دوره «سامانی» اشاره نشده است؟
- (۱) لغات فارسی کهنه
(۲) مطابقت عدد و محدود در جمع
(۳) افزایش نشانه های جمع فارسی بر جمع عربی
- ۲۵۶- از میان ویژگی های زیر، چند مورد، مربوط به «نشر سامانی» است؟
- ایجاز و اختصار در لفظ و معنا / تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی / کوتاهی جملات / تعداد اندک لغات کم کاربرد فارسی / بهره گیری کمتر از لغات عربی / افزایش نشانه های جمع فارسی نسبت به جمع عربی
- (۱) سه مورد
(۲) پنج مورد
(۳) چهار مورد
(۴) شش مورد
- ۲۵۷- در کدام گزینه، هیچ یک از عبارات مورد اشاره، از ویژگی های نثر دوره «سامانی» نیستند؟
- الف) اطناب
ب) افزایش کاربرد لغات عربی
ت) تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار عرب
ج) لغات فارسی کهنه
ح) ب - ت - ث - ج
(۱) ب - ت - ث
(۲) الف - ب - ت
- ۲۵۸- در همه گزینه ها به ویژگی های سبکی کتاب «التفہیم» اشاره شده است، به جز.....
- (۱) ترجمه تفسیر طبری
(۲) تاریخ بیهقی
(۳) التفہیم
- ۲۵۹- کوتاهی جملات
- (۱) تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی
(۲) تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار عرب
- ۲۶۰- چند مورد از ویژگی های نامبرده، با شرایط نثر دوره «غزنوی و سلجوقی» مطابقت دارد؟
- اطناب / تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار عرب / حذف افعال به قرینه / افزایش کاربرد لغات عربی / فراوانی موضوعات علمی
- (۱) سه مورد
(۲) چهار مورد
(۳) دو مورد
(۴) یک مورد
- ۲۶۱- کدام یک، از نمونه های نثر دوره «غزنوی و سلجوقی» به شمار نمی آید؟
- (۱) التفہیم
(۲) قابوس نامه
(۳) کیمیای سعادت
- ۲۶۲- ویژگی «ایجاز و اختصار در لفظ و معنا» و «حذف افعال به قرینه» به ترتیب در نثر کدام دوره ها بر جسته تر است؟
- (۱) سامانی - سامانی
(۲) غزنوی و سلجوقی - سامانی
(۳) سامانی - غزنوی و سلجوقی
- ۲۶۳- در همه گزینه ها ویژگی های مورد اشاره، مربوط به سبک و دوره یکسان اند، به جز.....
- (۱) وجود لغات کم کاربرد فارسی - افزایش کاربرد لغات عربی
(۲) تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی - افزایش نشانه های جمع فارسی نسبت به جمع عربی
(۳) اطناب - حذف افعال به قرینه
(۴) ایجاز و اختصار در لفظ و معنا - کوتاهی جملات



- ۲۶۴- در همه گزینه‌ها به ترتیب، به ویژگی‌های فکری آثار نثر دوران «غزنوی و سلجوقی» و «سامانی» اشاره شده است. به جز .
- ۱) اطناب - تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی
۲) حذف افعال به قرینه - کوتاهی جملات
۳) افزایش نشانه‌های جمع فارسی نسبت به جمع عربی - افزایش کاربرد لغات عربی
۴) تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار عرب - وجود لغات کم‌کاربرد فارسی
- ۲۶۵- در همه گزینه‌ها به دو ویژگی متفاصل، به ترتیب از «نثر سامانی» و «نثر غزنوی و سلجوقی» اشاره شده است. به جز .
- ۱) ایجاز و اختصار - اطناب
۲) تکرار اسم و فعل - حذف افعال به قرینه
۳) کمی کاربرد لغات عربی - افزایش کاربرد لغات عربی
۴) تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار عرب - تمثیل و استشهاد به حمام‌های ایران کهنه
- ۲۶۶- در کدام گزینه، به ترتیب، به ویژگی‌های نثر «دوره سامانی» و «دوره غزنوی و سلجوقی» اشاره شده است؟
- الف) کمی لغات عربی
پ) ایجاز و اختصار
ث) اطناب
- ۱) ث، ب - ت، پ
۲) الف، پ - ب، ت
۳) ج، پ - ث، ب
۴) ت، ب - ث، ج
- ۲۶۷- در کدام گزینه به ترتیب نام نومنه‌هایی از نثر فارسی دوره «سامانی» و «غزنوی و سلجوقی» آمده است؟
- ۱) ترجمة تفسیر طیری - کیمیای سعادت
۲) قابوس‌نامه - سیاست‌نامه
۳) تاریخ بیهقی - تاریخ بلعمی
- ۲۶۸- «سفرنامه ناصرخسرو» و «شاهنامه ابومنصوری» به ترتیب، متعلق به کدام شاخه‌های نثر خراسانی‌اند؟
- ۱) سامانی - غزنوی و سلجوقی
۲) غزنوی و سلجوقی - غزنوی و سلجوقی
۳) سامانی - سامانی
- ۲۶۹- کدام مورد، از تفاوت‌های «تاریخ بیهقی» و «تاریخ بلعمی» نیست؟
- ۱) طول جملات
۲) استفاده از سجع
۳) میزان کاربرد واژه‌های عربی
۴) تکرار فعل یا حذف آن به قرینه
- ۲۷۰- هنگام مطالعه کتاب «کیمیای سعادت»، اثر امام محمد غزالی، انتظار رویارویی با کدام ویژگی نثر را نداریم؟
- ۱) موجز و مختصر بودن جمله‌ها
۲) حذف برخی فعل‌ها به قرینه
۳) کاربرد نهچندان اندک لغات عربی
- ۲۷۱- کدام گزینه از شباهت‌های نثر «قابوس‌نامه» و «سیاست‌نامه» محسوب نمی‌شود؟
- ۱) به کار گرفتن جمله‌های طولانی
۲) ذکر جملات معروف، ضربالمثل‌ها یا اشعار زبان عربی در میان کلام
۳) ایجاز و اختصار در لفظ و معنا
- ۲۷۲- سبک کدام عبارت متفاوت است؟
- ۱) قاعدة علم فنا و بقا بر اخلاص وحدائیت است؛ یعنی چون بنده به وحدائیت حق مقت آید، خود را مغلوب و مقهور حکم حق بیند.
۲) بعد از آن هزار درم و ام خواست. گروگان طلبید گفت گروگان ندارم. گفت نشاپور مرا ده. نشاپور بدو داد. چون درم بستد، بازداد.
۳) خصوصیت حق تعالی بنده را جمع باشد و عبودیت بنده وی را تفرق، و این از آن جدا نیست؛ از آن‌چه نشان خصوصیت، حفظ عبودیت است.
۴) ایات سبب مر عارفان را اندر معرفت زنار باشد و التفات به غیرمعروف، شرک؛ «من نَعْلَلُ اللَّهَ فَلَا هَادِيَ لَهُ»
- ۲۷۳- مفهوم واژه «خداآوند» در عبارت زیر با مفهوم این واژه در کدام گزینه یکسان نیست؟
- «پس عبدالمطلب گفت که ایها القیلک، من خداوند آشتمن نه خداوند خانه، و مر این خانه را خداوندی هست، و او خود خانه خود را نگاه دارد.»
- ۱) ای خداوندی که بنای جهان، یعنی خدای
۲) به کاخ اندر آمد خداوند رخش
۳) خداوند - دا - گن - ب - سیار دارم
۴) جز خداوند مفرمای که خوانند مرا
- ۲۷۴- نوع «را» در جمله «چهاردهم شتر را به شهر سراب رسیدم.» همانند کدام گزینه است؟
- ۱) رمضان رفت و رهی دور گرفت اندر بر
۲) اگر شب رسی روز را بازگرد
۳) حرف بی جا غافلان را غوطه در خون می‌دهد
۴) اسباب زندگی همه دام تحریر است



۲۷۵- کدام گزینه با بیت‌های زیر تناسب معنایی بیشتری دارد؟

شو، خطر کن ز کام شیر بجوى
یا چو و مردانست مرگ رویارویی
شهی که افسر زین بر آسمان ساید
اگر دستت دهد، او را دهی با خاک یکسانی
کاه چون بی دانه گردد، خرج آب و گل شود
گر زیر خاک باشد، بالای آسمان است

«مهتری گربه کام شیر در است

یا بزرگی و عز و نعمت و جاه

(۱) دون خاک بخسب چوز در آخر کار

(۲) کسی بر آسمان گر رساند از ره تعظیم

(۳) هر که غافل شد ز معنی، عاقبت باطل شود

(۴) از جویبار هفت، تخمی گه آب گیرد

۲۷۶- کدام گزینه با بیت‌های زیر تناسب معنایی بیشتری دارد؟

شو، خطر کن ز کام شیر بجوى
یا چو و مردانست مرگ رویارویی
کآخر ضعیفی است توان ارا
ز بدیان ساز بام دولت را
بلکه اخلاص شد ریا در عشق
خاکت به سر! ترقی معکوس کرده‌ای

«مهتری گربه کام شیر در است

یا بزرگی و عز و نعمت و جاه

(۱) غرژه مشوبه روز توان ای

(۲) از بلندی پایه هشت

(۳) در ترقی سست کار مادر عشق

(۴) از دست بوس میل به پایوس کرده‌ای

۲۷۷- کدام گزینه با بیت‌های زیر تناسب معنایی بیشتری دارد؟

شو، خطر کن ز کام شیر بجوى
یا چو و مردانست مرگ رویارویی
کاین بحر بجز موج خطر هیچ ندارد
من از همواری این خلق ناهموار می‌ترسم
باشد به قدر هفت تو اعتبار تو
از آن پس کام شیران مامن توست

«مهتری گربه کام شیر در است

یا بزرگی و عز و نعمت و جاه

(۱) از عالم پرشور مجو و گوهر راحت

(۲) خطر در آب زیر کاه بیش از بحر می‌باشد

(۳) هشت بلند دار که نزد خدا و خلق

(۴) تو در خوف از خودی، از خود چو رستی

۲۷۸- مفهوم بیت «شد آن زمانه که شعرش همه جهان بنوشت / شد آن زمانه که او شاعر خراسان بود» از کدام بیت در یافت نمی‌شود؟

آن روز شوم رفت که «صفاب» ملال داشت
هر دم پیام بیار و خط دلبر آمدی
دیدار می‌نمودی، هر روز یک دو باری
آن مرغ خوش دلی که تو دیدی پرید و رفت

(۱) امروز خنده طرح به گلزار می‌دهد

(۲) آن عهد باد باد که از بیام و در مرا

(۳) آن خوش دلی کجا شد و آن دور کو که ما را

(۴) اکنون به دام صد غم و صد محنتم اسیر

۲۷۹- همه گزینه‌ها با بیت زیر تناسب معنایی دارند، به جز

نبود دندان، لا بل چراغ تابان بوده
از جوانی حسرت بسیار می‌ماند به جا
آه از این برق که آتش به نیستان زد و رفت
که ناتوانی در پنجۀ قضا و قدر
افسوس ندانم که کی آمد، کی شد

«مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود

(۱) آن چنان کز رفتن گل خار می‌ماند به جا

(۲) دلم از رفتن ایام جوانی داغ است

(۳) به مال و بخت و جوانی و زور غرژه مشو

(۴) آن مرغ طرب که نام او بود شباب

۲۸۰- کدام بیت با بیت زیر تناسب معنایی بیشتری دارد؟

نبود دندان، لا بل چراغ تابان بوده
عیب خود را در نظر بیش از هنر داریم ما
نقش پایی چند از طاووس بر جا مانده است
پای طاووس دوچندان به نظر می‌آید
از زاغ چشم بین و ز طاووس پر نگر

«مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود

(۱) دیدن پا خوش تر است از بال و پر طاووس را

(۲) از جوانی داغ‌ها بر سینه مانده است

(۳) خاک در آینه تصور مکث سازد

(۴) گر مرد را بین شده‌ای عیب کس مبین

۲۸۱- کدام گزینه با شعر زیر تناسب معنایی کمتری دارد؟

نبود دندان، لا بل چراغ تابان بوده
لیکو بود همه‌گیں لیکن نکو نماند
در باغ دهر بسوی و رنگی نمانده است
اگر این است دوران، در جوانی پیر خواهم شد
چون برق کند جلوه و چون باد گرد

«مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود

(۱) زآن رخ مناز چندین، دانی که در جوانی

(۲) گل‌های نویهار و جوانی خزان شند

(۳) ز موج اشک آخر پای در زنجیر خواهم شد

(۴) دریاب که ایام گل و صبح جوانی



۲۸۲- کدام گزینه با بیت زیر تناسب معنایی کمتری دارد؟

(۱) از جوانی نیست غیر از داغ حسرت در دلم

(۲) محسب آسوده ای برنا، که اندر نویت پیری

(۳) الفت پیری و نسیان جوانی بین که دیگر

(۴) جوانی، نکودار کاین مرغ زیبا

۲۸۳- کدام بیت با عبارت زیر تناسب معنایی بیشتری دارد؟

«من خداوند آشترم نه خداوند خانه، و مر این خانه را خداوندی هست، و او خود خانه خود را نگاه دارد.»

حافظ مکن شکایت تامی خوریم حالی
تو نشیو لایق وصال حقیقت
پای طاووس دوچندان به نظر می‌آید
راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش

شو، خطر کن ز کام شیر بجوی،
گر آید در رکاب جهد پای اقتدار تو
ترک کام خود گرفتم تا باید کام دوست
من چون نروم که می‌برندم به کمند؟
همیشه خانه خراب هوا خوبی شتم

۲۸۴- مفهوم ضرب المثل معروف «از ماست که بر ماست» در کدام گزینه تکرار شده است؟

گفتم به دلم هر چه کنی حکم تو راست
مردگی و زندگی از تو سرت و بس
بدین ورطه خود را تو خود می‌کشانی
غیر ما هصر این زندان نمی‌گیرد به خود

حیران شد و بگرفت به دندان سر انگشت
تاباز که او را بکشد آن که تو را کشت
تا کس نکند رنجه به درکوتفتن مُشت
به ندادن جلوه مستانه دادند
قوزت بسوی و رنگی هست از تو سرت
که از ننگی وجود خود پرسنم
که آسان است بر تو ببردن دل

۲۸۵- مفهوم ضرب المثل معروف «از ماست که بر ماست» در کدام گزینه دیده می‌شود؟
(۱) پیش آمد امروز مرا صحیمی
(۲) هستی و پایندگی از تو سرت و بس
(۳) تو خود می‌روی از پی نفس گمراه
(۴) هر دلی را طریه جانان نمی‌گیرد به خود

۲۸۶- مفهوم حکایت زیر در کدام گزینه دیده می‌شود؟

«عیسی بده رهی دید یکی کشته فتاده

گفتا که: که را کشته شدی زار؟

انگشت مکن رنجه به درکوتفتن کس

(۱) حکیمان را به اکتمان نهادند

(۲) گزت فخری و ننگی هست از تو سرت

(۳) تعالی اللہ از این بهتر چه باشد؟

(۴) مکن جان، دل مارانگه دار

۲۸۷- در میان ایات زیر از «ناصرخسرو قبادیانی»، شاعر توانای قرن پنجم، مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟
(۱) نکوهش مکن چرخ نیلوفری را
(۲) چو تو خود گنی اختر خویش را بد
(۳) نگه کن که ماند همی نرگس نو
(۴) اگر تو از آموختن سریتی

۲۸۸- براساس عبارت زیر از کتاب قابوس نامه، نوشته عنصرالمعالی قابوس بن وشمگیر، مؤلف کتاب، کدام مورد را از رسوم پادشاهان ایران باستان می‌داند؟

«به روزگار خسرو، اندر وقت بوذرجمهر، رسولی آمد از روم. خسرو بنشست، چنان که رسیم ملوک عجم بود؛ رسول را بار داد. پیش رسول با وزیر

(بوذرجمهر) گفت: ای فلان، همه چیز در عالم تو دانی؟»

(۱) روابط حسنی میان دو امپراتوری ایران و روم

(۲) بالیدن به دانش وزیران خود در نزد شفرای سایر ممالک

۲۸۹- کدام گزینه با عبارت زیر تناسب مفهومی بیشتری دارد؟

«گفت: ای فلان، همه چیز در عالم تو دانی؟ بوذرجمهر گفت: نه؛ ای خدایگان. پرسید که همه چیز پس که داند؟ بوذرجمهر گفت: همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند.»

(۱) به صفت گرچه نقش بی جان

(۲) به دورنگم چوروی و موی نگار

(۳) گه خمیده چ و قذاع شاقم

(۴) تا بدان جا رسید دانش من

۲- به حضور پذیرفتن سفیران و فرستادگان کشورها

۳- ترتیب و آیین خاص بر تخت پادشاهی نشستن

بـه نـگـارـی و عـاشـقـی مـانـم
زـانـکـه هـمـکـفـرـم و هـمـایـمـانـم
گـه شـکـستـه چـو زـلـافـجـانـانـم
کـه بـهـنـادـانـم هـمـیـکـهـنـادـانـم

پاسخ نامهٔ تشریحی فصل دوم

درس پنجم

- ۱۹۰-^{گزینه ۳} حماسه ملی ایران و شعر حماسی با فردوسی به او رسید و «رودکی و شهید بلخی» به شعر غنایی این دوره قوت و استحکام بخشیدند.
- ۱۹۱-^{گزینه ۲} برخلاف ^۱ دولت سامانی نه تنها با رسماً‌ها سنت‌های فرهنگی کهن ایرانی مخالفت نکرد، بلکه به رواج آن بسیار کمک کرد.
- ۱۹۲-^{گزینه ۲} برخلاف ^۱ با انقراض سامانیان و روی کار آمدن ترکان آل افراصیاب، زبان فارسی و فرهنگ ایرانی رو به رکود گذاشت.
- ۱۹۳-^{گزینه ۲} خاقانی شروانی شاعر مشهور «قرن ششم» است.
- ۱۹۴-^{گزینه ۳} صدور زبان فارسی به سرزمین‌های غیر فارسی زبان همسایه مربوط به این دوره نیست و از سده‌های آینده آغاز می‌شود.
- ۱۹۵-^{گزینه ۲} رودکی و شهید بلخی شعر غنایی را در این دوره استحکام بخشیدند، اما جلال الدین محمد بلخی مشهور به مولوی، شاعر «قرن هفتم» است.
- ۱۹۶-^{گزینه ۳} شعر غنایی در این عهد با دو شاعر مشهور، رودکی و شهید بلخی، قوت و استحکام یافت.
- ۱۹۷-^{گزینه ۴} آوردن موعظه و نصیحت در شعر پارسی از آغاز قرن چهارم معمول شد و قطعه‌های کوتاه در این باب سروده شد، اما نخستین کسی که قصيدة تمام و کمال در این موضوع ساخت، «کسایی مروزی» بود.
- ۱۹۸-^{گزینه ۲} برخلاف ^۱ شاعران این عصر، بیشتر به واقعیت‌های بیرونی توجه داشتند و مفاهیم ذهنی آنان از قلمرو تعالیم کلی اخلاقی فراتر نمی‌رفت.
- ۱۹۹-^{گزینه ۳} «رودکی» شعر فارسی را پایه‌گذاری کرد، به همین دلیل هم، به او لقب «پدر شعر فارسی» داده‌اند.
- ۲۰۰-^{گزینه ۲} شرح مورد اشاره، معترف کتاب «تاریخ بلعمی» نوشته «ابوالعلی بلعمی»، وزیر داشمند منصور بن نوح سامانی است که به فرمان پادشاه، مأموریت یافت که تاریخ مفضلی را که محمد بن جریر طبری به عربی نوشته بود، به فارسی برگرداند.
- ۲۰۱-^{گزینه ۳} عبارت سؤال، معترف «شاہنامه ابومنصوری» است. این کتاب به دست عدمای از دانشوران خراسان، در حدود سال ۳۴۲ قمری، نوشته شده و در واقع، تاریخ گذشته ایران به شمار می‌آید، که فقط چند صفحه از مقدمه آن باقی مانده است.

- ۱۷۹-^{گزینه ۱} برخلاف آن‌چه در ^۱ آمده، بیشتر آثار ادبی منتشر و منظوم پهلوی از بین رفته‌اند، و تنها ترجمة عربی و فارسی بعضی از آن‌ها مانند «هزار و یک شب» و «کلیله و دمنه» در دست است که همان‌ها هم، تغییرات بسیاری کرده‌اند؛ در حقیقت، آثار ادبی پهلوی به دلیل اهمیتی که «سنت شفاهی» در ایران پیش از اسلام داشته، اغلب به صورت مکتوب در نیامده‌اند.
- ۱۸۰-^{گزینه ۱} «یادگار زریان» نمونه‌ای از قطعاتی است که در حقیقت، بازمانده اشعار تعلیمی و اخلاقی‌اند. این قطعات شعری در میان اندرزنهای منتشر جای دارند. منظومة «درخت آسوریک» نمونه دیگری از این نوع است. هر دو منظومة نامبرده، اصل پارتی دارند.
- ۱۸۱-^{گزینه ۳} تمام سنتگنوشته‌های بازمانده از عصر هخامنشی، با «خط میخی» نگاشته شده است.
- ۱۸۲-^{گزینه ۴} مراحل تحول زبان فارسی شامل سه بخش «فارسی باستان»، «فارسی میانه (پهلوی)» و «فارسی نو (دری)» می‌شود.
- ۱۸۳-^{گزینه ۱} فارسی باستان در دوره «هخامنشی» رایج بوده و فرمان‌ها و نامه‌های شاهان به آن زبان نوشته می‌شده است.
- ۱۸۴-^{گزینه ۱} فارسی میانه نام دیگر زبان پهلوی است که زبان رسمی دوران ساسانی بود.
- ۱۸۵-^{گزینه ۴} منظومة «یادگار زریان» از اشعار تعلیمی و اخلاقی به زبان پهلوی است و مانند «درخت آسوریک» ریشه «پارتی» دارد. زبان رسمی دوران هخامنشی، فارسی باستان بوده، در حالی که «یادگار زریان» به زبان فارسی میانه سروده شده است.
- ۱۸۶-^{گزینه ۴} مردمان فارس به زبان «پارسی میانه» یا «پهلوی» یعنی شاخه جنوبی از گروه غربی زبان‌های فارسی میانه سخن می‌گفته‌اند و نه به همه اندیزه ایرانی میانه.

- ## درس ششم
- ۱۸۷-^{گزینه ۳} یعقوب لیث با زبان عربی آشنا نیود و علاقه‌های هم به این زبان نداشت و استفاده از آن را در دستگاه حکومت خود منع کرد.
- ۱۸۸-^{گزینه ۳} رایج‌ترین انواع شعر فارسی در این دوره «حماسه، مدحیه و شعر غنایی» بود.
- ۱۸۹-^{گزینه ۳} یکی از ویرگی‌های شعر در قرن ^۴ و نیمة اول قرن ^۵ «садگی و روانی کلام و فکر» است. تا جایی که شاعران فکر و خیال خود را همان‌طور که به خاطرشن می‌رسید، بیان می‌کردند.



- (۳) دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان، نثر فتی
(۴) دوره سبک عراقی، نثر مصنوع
(۵) دوره بازگشت ادبی
(۶) دوره ساده‌نویسی
- ۲۱۵- **گزینه ۴** نام دیگر نثر «دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان» است.
۲۱۶- **گزینه ۴** سبک هندی از سبک‌های شعر فارسی است و در دسته‌بندی سبک‌های نثر، چنین عنوانی وجود ندارد.
۲۱۷- **گزینه ۲** سبک خراسانی بر حسب زمان به سه سبک فرعی «سامانی، غزنوی و سلجوقی» تقسیم می‌شود.
۲۱۸- **گزینه ۱** سبک خراسانی بر حسب زمان به سه سبک فرعی «سامانی، غزنوی و سلجوقی» تقسیم می‌شود که ویرگی‌های مشترکی دارند. به سبک دوره سلجوقی، «بینابین» هم گفته می‌شود، زیرا ویرگی‌های سبک عراقی نیز در آن به چشم می‌خورد.
۲۱۹- **گزینه ۲** «کهن» و «مهجور» بودن بخشی از واژگان در مقایسه با زبان امروز «از ویرگی‌های زبانی» سبک خراسانی است، نه «ویرگی‌های فکری».
۲۲۰- **گزینه ۴** «فاسله‌گرفتن تفرّل از تمایلات نفسانی و آسمانی شدن عشق» از ویرگی‌های فکری «سبک عراقی» است، نه «سبک خراسانی».
۲۲۱- **گزینه ۴** «رواج مفاخره، شکایت و انتقاد اجتماعی» از ویرگی‌های فکری «سبک عراقی» است، نه «سبک خراسانی».
۲۲۲- **گزینه ۳** موارد نادرست: توصیفات نامحسوس، غلبه احساس بر عقل، پیچیدگی پند و اندرز استفاده از آرایه‌های ادبی در شعر خراسانی، طبیعی و در حد اعتدال است.
۲۲۴- **گزینه ۴** زبان شعر دوره خراسانی، ساده است و هنوز با پیچیدگی‌های عرفانی و جکمی و فلسفی آمیخته نشده.
۲۲۵- **گزینه ۱** یکی از ویرگی‌های فکری سبک خراسانی، «غلبة روحیة نشاط و خوش‌باشی» است که در **۱** به هیچ وجه مشاهده نمی‌شود؛ به عکس، فضای این **گزینه**، توصیف درد و داغ و غم است. بیت، سرودة «بیدل دهلوی» شاعر سبک هندی است.
۲۲۶- **گزینه ۲** سادگی فکر و کلام و آمیخته‌بودن شعر با پیچیدگی‌های عرفانی، حکمی و اندیشه‌های فلسفی و نیز ساده‌بودن و جنبه عملی و دستوری داشتن اشعار پندآموز و اندرزگونه از ویرگی‌های سبک خراسانی است و **۲** از این ویرگی خالی است. بر عکس، **۳** فضای صوفیانه و عارفانه دارد. بیت، سرودة «حافظ شیرازی»، شاعر سبک عراقی است.
۲۲۷- **گزینه ۳** معشوق در این **گزینه**، آسمانی (خداآوند) است و در سایر **گزینه‌ها** زمینی.

۲۰۲- **گزینه ۳** این متن، متعلق به تاریخ بلعمی (از متون نثر عهد سامانی) است که از ویرگی‌هایش می‌توان به «садگی و روانی و پرهیز از به کار بردن اصطلاحات علمی و اشعار» اشاره کرد.

۲۰۳- **گزینه ۴** از «شاهنامه ابومنصوری» تنها چند صفحه از مقدمه‌اش به دست ما رسیده و سایر بخش‌های کتاب از میان رفته است.

۲۰۴- **گزینه ۳** برخلاف **۱**، علمای مأواه‌التلہ به طور کلی با تفسیر قرآن مخالف نبودند، بلکه به اعتقاد آنان، استفاده از ترجمة تفسیر قرآن، برای کسی که عربی نمی‌داند، جایز بود.

۲۰۵- **گزینه ۱** «بیت‌الملوک» نام دیگر کتاب «سیاست‌نامه»، اثر خواجه نظام‌الملک توosi است. «تاریخ بلعمی» ترجمه‌ای از کتاب «تاریخ الزسل و الملوك» همراه با تغییرات و اضافات است.

درس هفتم

۲۰۶- **گزینه ۴** برخلاف **۱** در تعریف کلی، از آن جا که سبک، شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر است؛ به تعداد شاعران و نویسنده‌گان جهان سبک وجود دارد؛ زیرا اطلاعات، دانش، ذوق و استعدادهای انسان‌ها متفاوت است؛ اما در عین تفاوت، شباهت‌هایی نیز در نحوه بیان برخی از آن‌ها وجود دارد که می‌توانند در یک دسته قرار گیرند.

۲۰۷- **گزینه ۲** عبارت نادرست: «پ» / طبق نظریة ارسطو، دسته‌بندی سبک‌ها براساس «موضوع»، محتوا و درون‌مایه اثر را نشان می‌دهد؛ مانند سبک عرفانی یا حمامی؛ سبک‌های «عراقی» و «هندی» براساس محیط جغرافیایی دسته‌بندی شده‌اند.

۲۰۸- **گزینه ۳** حمامی (موضوع و نوع) / سعدی (پدیدآورنده) / مشروطه (زمان و دوره) / عامیانه (مخاطب)

۲۰۹- **گزینه ۳** غنایی: براساس موضوع و نوع / حمامی: براساس موضوع و نوع

۲۱۰- **گزینه ۲** براساس تقسیم‌بندی بهار، شعر فارسی دارای شش دوره و سبک به این شرح است: **۱** خراسانی (ترکستانی) **۲** عراقی **۳** هندی **۴** دوره بازگشت **۵** دوره مشروطه **۶** دوره معاصر

۲۱۱- **گزینه ۲** وقایع و شخصیت‌های مورد اشاره در ایات، مربوط به دوره رواج «سبک خراسانی» (ترکستانی) است.

۲۱۲- **گزینه ۴** دوره بازگشت در شعر فارسی، هم‌زمان با قرن سیزدهم است.

۲۱۳- **گزینه ۳** با توجه به تاریخ زندگی بیدل (۱۱۳۴-۱۰۵۴) و همین‌طور، اطلاعاتی که درباره «آمیختگی افکار عرفانی با مضامین پیچیده و استعارات و کنایات» در اشعار او داده شده، می‌توان او را از شاعران سبک هندی دانست. سبک هندی، از قرن دهم تا سیزدهم رواج داشته است.

۲۱۴- **گزینه ۴** دسته‌بندی بهار درباره سبک‌های نثر فارسی:

(۱) دوره سامانی

(۲) دوره غزنوی و سلجوقی اول



- ۲۲۸- گزینهٔ ۴** با توجه به کاربرد آرایه تشبيه (از نوع حتی)، گرایش به وصف طبیعت، واقع گرا بودن و طبیعی، ساده، محسوس و عینی بودن توصیف، و سادگی فکر و کلام، می‌توان این گزینه را نمونه سبک خراسانی دانست.
- ۲۲۹- گزینهٔ ۲** در این دو بیت، شاعر به توصیف گل نیلوفر در میان آب پرداخته و از تشبيه محسوس بهره گرفته است.
- ۲۳۰- گزینهٔ ۴** این بیت‌های نمونه پندواندرزه‌ای است که جنبه عملی و دستوری دارند و از ویرگی‌های فکری سبک خراسانی به شمار می‌آیند.
- ۲۳۱- گزینهٔ ۲** در ابیات سؤال، سادگی فکر و کلام و غلبه روح شادی و نشاط و خوش‌باشی دیده می‌شود. در عین حال، توصیفات هم، محسوس و عینی هستند؛ همچنین با توجه به توصیف «بُت لالرخان»، معشوق نیز مادی و زمینی به نظر می‌رسد.
- ۲۳۲- گزینهٔ ۲** مفهوم گله از خفغان
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰** **۳۱** **۳۲** **۳۳** **۳۴** **۳۵** **۳۶** **۳۷** **۳۸** **۳۹** **۴۰**
- ۱** **۲** **۳** **۴** **۵** **۶** **۷** **۸** **۹** **۱۰** **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** <b



۲۶۴-^{گزینه ۳} افزایش نشانه‌های جمع فارسی نسبت به جمع عربی: ویژگی نثر دوره سامانی - افزایش کاربرد لغات عربی: ویژگی نثر دوره غزنوی و سلجوقی

۲۶۵-^{گزینه ۴} «تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار عرب» از ویژگی‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی است؛ اما «تمثیل و استشهاد به حماسه‌های ایران کهن» ویژگی نثر سامانی نیست.

۲۶۶-^{گزینه ۴} ویژگی‌های نثر دوره سامانی: ۱) ایجاز و اختصار ۲) تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی^(۳) کوتاهی جملات ۳) لغات فارسی کهنه^(۵) کمی لغات عربی ۴) افزایش نشانه‌های

جمع فارسی بر جمع عربی ویژگی‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی: ۱) اطناب ۲) تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار عرب^(۳) حذف افعال به قرینه ۴) افزایش کاربرد لغات عربی

۲۶۷-^{گزینه ۴}

هزار کتاب

۱) ترجمه نقسیر طبری: سامانی - کیمیای سعادت: غزنوی و سلجوقی ۲) قابوس‌نامه: غزنوی و سلجوقی - سیاستنامه: غزنوی و سلجوقی ۳) تاریخ بیهقی: غزنوی و سلجوقی - تاریخ بلعمی: سامانی

۲۶۸-^{گزینه ۴} سفرنامه ناصر خسرو: نمونه نثر غزنوی و سلجوقی - شاهنامه ابومنصوری: نمونه نثر سامانی

۲۶۹-^{گزینه ۲} «تاریخ بیهقی» از نمونه‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی و دارای ویژگی‌هایی از قبیل «اطناب، حذف افعال به قرینه و استعمال لغات عربی» است، اما «تاریخ بلعمی» از نمونه‌های نثر دوره سامانی است که ویژگی‌های مانند «ایجاز و اختصار در لفظ و معنا، تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی و بهره‌گیری کمتر از لغات عربی» را در خود دارد. در هیچ‌کدام از این دو اثر، استفاده از «سجع» از ویژگی‌های سبکی نیست.

۲۷۰-^{گزینه ۱} «کیمیای سعادت» از نمونه‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی است. در این نثر، بیشتر با «اطناب» رویه رو هستیم، نه ایجاز.

۲۷۱-^{گزینه ۴} «قابوس‌نامه» و «سیاستنامه» از نمونه‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی‌اند. «ایجاز و اختصار در لفظ و معنا» از ویژگی‌های «نشر سامانی» است.

۲۷۲-^{گزینه ۲} در ۲) «کوتاهی جملات و ایجاز و اختصار و کاربرد سیار کم لغات عربی» به چشم می‌خورد که از ویژگی‌های نثر سامانی است. اما سه گزینه دیگر، به سبک غزنوی و سلجوقی تألیف شده‌اند که «استشهاد به آیات، کاربرد فراوان لغات عربی و حذف افعال به قرینه» در آن‌ها برجهسته است.

۲۷۳-^{گزینه ۳} واژه «خداآوند» در این گزینه به معنی «آفریدگار» به کار رفته، اما در عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها به معنی «صاحب و مالک» است.

۲۷۴-^{گزینه ۲} «را» در عبارت سؤال و ۲)، در معنی «در» به کار رفته و قیدساز است.

۲۵۱-^{گزینه ۳} نوع فعل در بیت سؤال و ۲) ماضی استمراری، معادل «می‌رفت»

نوع فعل در سایر گزینه‌ها: ماضی ساده

۲۵۲-^{گزینه ۱} نوع و ساختار فعل «رفتی» در بیت سؤال: ماضی استمراری، معادل «می‌رفت»

نوع و ساختار فعل «زدی» در ۱) ماضی استمراری، معادل «می‌زد» برخلاف ۲)، در نثر سامانی نشانه‌های جمع فارسی بیشتر از نشانه‌های جمع عربی است.

ویژگی‌های نثر دوره سامانی:

ایجاز و اختصار در لفظ و معنا / تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی / کوتاهی جملات / لغات کم‌کاربرد فارسی / بهره‌گیری کمتر از لغات عربی / افزایش نشانه‌های جمع فارسی نسبت به جمع عربی از «اطناب» یکی از ویژگی‌های نثر دوره «غزنوی و سلجوقی» است و بر عکس، یکی از ویژگی‌های نثر سامانی، «ایجاز و اختصار» است.

۲۵۵-^{گزینه ۳} در نثر سامانی کاربرد لغات کم‌کاربرد فارسی بیشتر از دوره‌های بعد است.

۲۵۶-^{گزینه ۲} اطناب (الف)، افزایش کاربرد لغات عربی (ب) و تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار عرب (ت) از ویژگی‌های نثر دوره «غزنوی و سلجوقی»‌اند.

۲۵۷-^{گزینه ۱} محتوای نشرهای این دوره، بیشتر «علمی» است و گاهی نشرهای حماسی، تاریخی و دینی هم دیده می‌شود.

۲۵۸-^{گزینه ۲} تاریخ بیهقی از نمونه‌های موفق نثر دوره «غزنوی و سلجوقی» است.

۲۵۹-^{گزینه ۴} کتاب «التقہیم» از نمونه‌های نثر سامانی است که از ویژگی‌های سبکی آن می‌توان به «کوتاهی جملات»، «لغات کم‌کاربرد فارسی» و «تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی» اشاره کرد. «تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار عرب» از ویژگی‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی است.

۲۶۰-^{گزینه ۲} فراوانی موضوعات علمی، از ویژگی‌های نثر «دوره سامانی» است. در این دوره، محتوای نشرهای، بیشتر علمی و گاهی هم، حماسی، تاریخی و دینی است.

۲۶۱-^{گزینه ۱} «التقہیم» از نمونه‌های نثر دوره «سامانی» است. ایجاز و اختصار در لفظ و معنا: از ویژگی‌های نثر دوره سامانی / حذف افعال به قرینه: از ویژگی‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی

۲۶۳-^{گزینه ۱} لغات کم‌کاربرد فارسی: ویژگی نثر دوره سامانی / افزایش کاربرد لغات عربی: ویژگی نثر دوره غزنوی و سلجوقی

۲۶۴-^{گزینه ۲} تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی - افزایش نشانه‌های جمع فارسی نسبت به جمع عربی: ویژگی نثر دوره سامانی

۲۶۵-^{گزینه ۲} اطناب - حذف افعال به قرینه: ویژگی نثر دوره غزنوی و سلجوقی / ایجاز و اختصار در لفظ و معنا - کوتاهی جملات: ویژگی نثر دوره سامانی

هزار کتاب

۲۶۶-^{گزینه ۳} تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی - افزایش نشانه‌های جمع فارسی نسبت به جمع عربی: ویژگی نثر دوره سامانی

۲۶۷-^{گزینه ۲} اطناب - حذف افعال به قرینه: ویژگی نثر دوره غزنوی و سلجوقی / ایجاز و اختصار در لفظ و معنا - کوتاهی جملات: ویژگی نثر دوره سامانی

